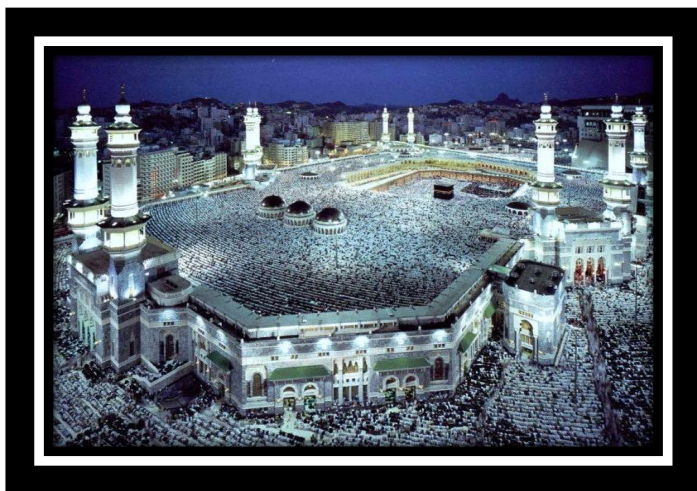
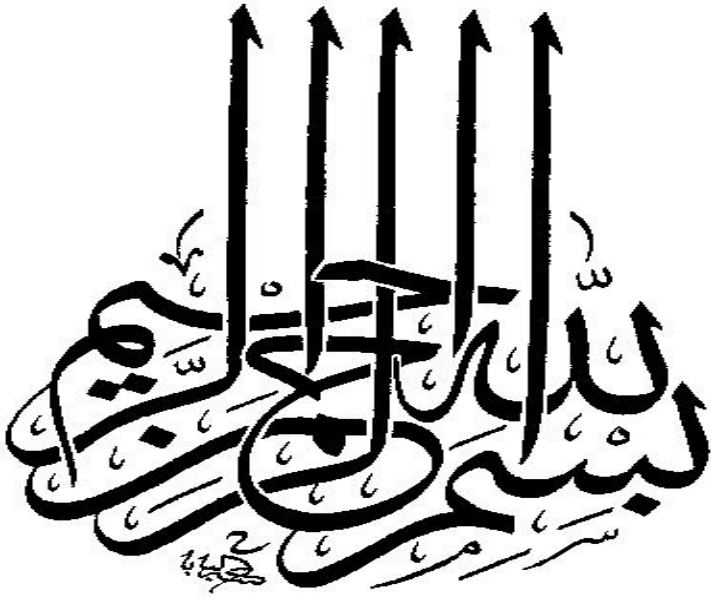


# آموزه های سفر عمره



الحاج عبدالواحد خرم  
سال 1393 خورشیدی



## مشخصات اثر :

نام اثر : آموزه های سفر عمره

نویسنده : الحاج عبدالواحد خرم

ویراستار: رفیع الدین کرامی

زمان نگارش : جوزا سال 1393

ختم نگارش : سرطان 1393

زمان چاپ : سال 1393

محل چاپ : کابل افغانستان

چاپ : مطبعه مجتبی

تیراژ : 500 جلد

حق چاپ محفوظ است

## پیشگفتار

دعا و عبادت ، دوبرای پرواز آدمیان به سوی کمال مطلق و رسیدن به قرب الهی است . هرانسانی برای دستیابی به اخلاق اسلامی ، وپالایش روح خوداز تیرگی گناه ومعصیت ووسوسه های شیطانی وتقویت اراده ونیروی تفکر درخویشتن، نیازبه دعاونیایش ومناجات باحق تعالی دارد، ازاین روبخش عظیمی ازتعالیم پیامبران ، به خصوص رسول اکرم(ص) رادعاونیایش تشکیل می دهد. آن عزیزان باتوجه به شناخت ومعرفت وسیعی که نسبت به خداوند(ج) وشناختی که ازانسان ونیازهایش دارند، حقایق دل وروح ونیازهای آدمیان را درزمینه های گوناگون ، بازبان دعابیان داشته اند. رسول اکرم(ص) دعاراسلاح مومن وستون دین ونورآسمان هاوزمین دانسته وفرموداست : الدعاء مخ العباده. یعنی دعا مغز عبادت است. خداوند(ج) نیز درقرانکریم این بشارت رابه بنده گان خود داده است که اگر اورابالخلاص بخوانند دعاهایشان رامستجاب می گرداند: " وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ "

وهنگامی که بندگان من ازتودریاره من می پرسند، بگو: من نزدیکم ، دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم ، پس آنها دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، باشد که بر حقیقت راه یابند .

البته هر دعا و درخواستی از خداوندیکتا، مطلوب شارع مقدس است لیکن ثواب و فضیلت دعاها و زیارت های رسیده به مراتب بیشتر و بالاتر است .

یکی از آرزوهای مهم و خواسته های بزرگ یک مسلمان واقعی در این دنیا شرفیاب گردیدن او به زیارت بیت الله شریف و روضه پاک پیامبر اکرم "ص" و ادای فریضه حج بیت الله شریف میباشد که همیشه با اشتیاق کامل جهت نیل به آن می کوشد، ازاینکه فریضه حج یک عبادت مالی و بدنی میباشد، بنا گاهی نسبت ضعف یکی از این دو اکثر مشتقان از دست یافتن به آن محروم می مانند.

لذا اشخاصیکه بفضل، احسان و خواست پروردگار عالم به این سعادت بزرگ راه می یابند به نعمت بزرگ الهی نایل گردیده اند که شکر و قدر آنها بجا آورده و دانسته به فلسفه و حکمت تشریحی آن توجه مبذول داشته تحول بزرگی را در همه عرصه زنده گی اعم از زنده گی فردی، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی خود ایجاد نموده محیط خانواده ، محله، منطقه و جامعه خود را تحت تأثیر مثبت آن تحول قرار داده در تعهد و

پیمائیکه در مکه معظمه با خدای خود نموده ثابت قدم و استوار باقی مانده  
منحیث الگوی تقوا و پرهیزگاری به دیگران میگردند.

فهرست

<b>صفحه</b>	<b>عنوان</b>
-------------	--------------

### پیشگفتار و تقریظات

- |         |                                      |
|---------|--------------------------------------|
| 1.....  | رویای دلپذیر.....                    |
| 2.....  | هنجار های دلگیر.....                 |
| 4.....  | دورهی تصمیم و انصراف.....            |
| 5.....  | به سوی بیت الله شریف.....            |
| 7.....  | سالون انتظار.....                    |
| 9.....  | با حاجیان نا آشنا.....               |
| 11..... | پاکترین دیدار.....                   |
| 13..... | شهر مکه خاستگاه اسلام.....           |
| 15..... | مقام ابراهیم(ع).....                 |
| 18..... | ترتیب نماز های پنجگانه در سعودی..... |
| 21..... | واجبات عمره.....                     |
| 23..... | طایف زیبا و تاریخی.....              |
| 26..... | باز هم از طایف شریف.....             |
| 29..... | آخرین روز در طایف شریف.....          |
| 30..... | مهاجران آواره.....                   |
| 32..... | راه سیل.....                         |

### فهرست

عنوان	صفحه
برخي مسایل عمده.....	34.....
محل ممنوعه.....	38.....
شهر پیامبر(ص).....	40.....
مسجد قبلتین.....	43.....
خاطره های بیاد مانده نی.....	44.....
حادثه ی جالب.....	45.....
میقات شهر مساجد تاریخی.....	48.....
خلاصه سفر عمره در طی دو هفته.....	50.....
دلهره ها.....	51.....
پیرزن گمشده.....	52.....
سفر برگشت.....	53.....
سرزمین سعودی.....	55.....
احساس غربت در کابل.....	57.....
نتایج انتخابات در خرم و ساریاغ.....	62.....
از خرم تا کابل.....	63.....
لحظه ی با خواننده.....	65.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



## تقریظ

مجموعه نگارشات بریدجنرال ارکاتحرب عبدالواحد خرم مدیرپلانگذاری عقیدتی وفرهنگی قوماندانی تعلیم وتربییه ودکتورین را تحت نام " آموزه های سفرعمره" که در برگیرنده ترتیبات ادای حج عمره در عربستان سعودی می باشد، منحیث یک سند رهنمودی واثر خوب به تمام افسران اردو ، مسلمانان کشور وفارسی زبانان بیرون مرزی می پندارم، در گذشته دواثر دیگر شان را تحت عنوان" سفر به امریکا" وتجارب از هندوسنتان عمیقا مطالعه کرده بودم که جوانب مختلف زنده گی مردم امریکا وهند را برملا ساخته ومسایل استراتیژیک وامینیتی مربوط افغانستان را وضاحت داده بودند.

این بار سخن از حمد وثنا، ستایش ،عبادت وطواف، توحید ویکتا پرستی می رود که نویسنده در بیت الله شریف ودر شهر های مکه مکرمه،مدینه منوره آنرا انجام وباز دید شان راجهت تحقیقات بیشتر دینی از شهر زیبای طایف شریف در فاصله دور از مکه مکرمه حتی از صدر اسلام تا وضعیت کنونی سعودی وچگونگی روش، عبادات در مدینه منوره، برخوردار مسولین واهالی شهر های فوق الذکر را با مسلمانان سایر کشور



های جهان ، به ویژه افغانها خیلی منظم رقم زده است. شیوه بیان و نگارش عبدالواحد خرم بیانگر آنست که موصوف منحیث یک شخص مومن، مسلمان واقعی و مسلکی در رشته تاریخ و تمدن اسلام مطالعات خوبی داشته و به تجربه عملی دیگری در این سفر حج دست یافته است، دانش تاریخی وی رمز از موفقیتش در نگارش این اثر است

اثر حاضر به عنوان نمونه ای معقول و راهگشای بهتر در تحکیم اعتقادات دینی پرسونل اردو بوده و در ضمن احساسات عالی وطن دوستی را بالا برده و معنویات مردم را ارتقا می بخشد .

واقعا نویسنده به شکل درست و با تحلیل های عمیق چشم دید ها را به شکل ساده، خوانا و با رعایت اصول اسلامی بدون اشتباهات به تحریر آورده است که زحمات موصوف را ریاست عقیدتی و فرهنگی ستردرستیز و وزارت

دفاع ملی به نهایت دیده ی قدر نگریسته برایش موفقیت های بزرگی را از  
جانب خداوند " ج " آرزو دارد .

با احترام

رییس عقیدتی و فرهنگی ستر درستیز

تورنجنرال محمد امین نصیب

## بنام خداوند بخشاینده و مهربان

### تقریظ

حمد و ثنا و ستایش خدایی را است که توفیق عبادت را نصیب فرموده است و درود و سلام بر بزرگترین هادی بشریت که مشعل راه هدایت شد. باید تذکر داد که واژه عمره معنای قصد را افاده می کند، و بدون تردید معتمر یا عمره کننده قصد دارد تا زیارت بیت الله الحرام را بجا آورده و قصد طواف کعبه و سعی صفا و مروه را در سر می پروراند. عمره مانند حج فرضی یک عبادت بدنی و مالی است و بجا آوردن عمره بالای هر انسان آزاده مسلمان که توان مالی آنرا داشته باشد، سنت است، پیامبر "ص" در جریان حیات گهربارش چهار بار به انجام عمره نایل آمده اند. شور و اشتیاق عبادت، دعا و نیایش و آرزوی رسیدن به قله ی رستگاری، پای انسان را به سوی بارگاه الهی کشانده و رهسپار دیار حرمین شریفین میسازد، تا برای استغفار و طلب مغفرت خویش در پای ملترم، کعبه و حجرالاسود قرار گرفته و اشک بریزد، و درد های دلش را بیرون کند و در عوض متاع گرانبهای مغفرت و بخشش الهی را بدست بیاورد، و قطره های اشک، ناله ها و آه سردی که برخواسته از اعماق قلبش بوده، غبار تیره ی گناه و معصیت را بزداید و زنگار دلش را صیقل بخشد. اینجا است که بنده گنهکار چون گدایی برپشت باب رحمت الهی قرار گرفته و دروازه صبر و کرمش دق الباب می زند، واضح است که خدای کریم بنده گانش را از بارگاه رحمتش نا امید بر نمی گرداند. آنانیکه به سوی طواف بیت الحرام می شتابند، در حقیقت ضیوف الرحمن و مهمانان خداوند متعال هستند. واضح است که هیچ کسی مهمانش را مأیوس نمی سازد، بجا آوردن عمره عبادت است، اما از طرف دیگر انسان در این سفر عبادتی چیزهای دیگری را نیز می آموزد. چون سفر حج در واقع هم مکتب بوده و هم آموزگار رشید است. انسان در سفر حج با جغرافیا، رسوم و عنعنات مختلف با اخلاق و سلوک گوناگون با شکل، قیافه و شمایل انسانهای زیادی آشنا میگردد، که هرکدام آنها بر اندوخته ها و تجارب انسان می افزاید. پوشیدن احرام درسی است از پوشیدن کفن، سر برهنه حاجی معنای عجز و عذر و زاری وی را در حضور الهی بیان می دارد، شتافتن در وادی عرفه مثال زنده ای از شتافتن در وادی قیامت است. من مجموعه ای

از نگارش اثر زیبای استاد گرامی الحاج برید جنرال ارکان حرب عبدالواحد خرم را که در این زمینه تحت عنوان «آموزه های سفر عمره» تحریر داشته مطالعه کردم که خیلی ها نفیس و زیبا رقم زده است. که در حقیقت از چشم دید ها ، برداشت ها ، تحلیل های علمی و فکری شان بوده است، و از اوضاع جغرافیائی ، تمدن و فرهنگ ، رسوم و عنعنات ، نظم و نظام، و تا مسائل دینی طرف توجه قرار داده است، که بر زیبایی این اثر افزوده است. واضح است که انسان یک موجود جستجوگر است و دوست دارد تا همیشه بر اندوخته های علمی اش بیافزاید. در خاتمه اثر نگارنده را به نفع مطالعه کننده گان عزیزمی دانم و از خداوند منان قبول عبادات و نیایش بنده گان را تمنا دارم. بخصوص از الله متعال استدعا می نمایم که دعا ، نیایش ، زحمات و عبادات نگارنده اثر را که در روزهای سفر عمره بجا آورده است در بارگاه خویش مقبول فرماید.

آمین یا رب العالمین

با احترام

الحاج مولوی میرویس عزیزی " تاتار " رئیس پوهنچی شرعیات پوهنتون پیام

بسم الله المتعال

## رویای دلپذیر

سفر به سوی خانه ی خداوند یگانه رویای دیرینه ام بود ، رویایی که هر آنگاه سراغم را می گرفت، سرزمین دلم را با دیده گاتم یکجا لبریز اشک می کرد ، اشکی که با لرزه های طوفنده ی دل ، نیایش های بسیار بلندی را در خود داشت. رهیدن از مشکلات ، در تلخ ترین لحظات زندگی و نعمت های بی دریغ پروردگارم در هر لحظه ی از عمر، مرا بیشتر به زیارت خانه او علاقمند کرده بود و همیشه آرزوی دیدار آن خانه مرا در رسیدن به آن امید وار می ساخت. ازدو سال بدینسو مصمم بودم تا رکن پنجم دین را که عبارت از ادای حج فرضی و زیارت بیت الله شریف میباشد، با تمام فرایض و واجبات آن بجا آورم، اما مساعد نشدن زمینه زیارت هر بار این تصمیم مرا به تعویق می انداخت.

من در بورس دولتی به عنوان دانشجوی اکادمی دفاعی ملی به دهلی کشور هندوستان ، برای یکسال فرستاده شده بودم.

بسیار سعی نمودم باگرفتن رخصتی عزم کعبه ی معظمه نمایم اما مسعود استانکزی مسول من این اجازه را برایم نداد و در عوض خودش با استفاده از رخصتی با همسرش به حج بیت الله رفت .

اینبار میسر نشدن زمینه مرا از تصمیم و ارده ام باز نداشت چرا که شوق زیارت خانه ی کعبه با یک آرزوی تحقق پذیر در من هر روز برجسته تر می شد.

\*\*\*

## هنجار های دلگیر

یکسال در هندوستان سپری شد با اخذ تقدیر نامه و یک کوله بار از خاطرات به افغانستان برگشتم. خاطراتم از هند در حد یک کتاب گشت که اقبال چاپ نیز یافت اما آنچه به این مبحث تعلق می گیرد این است که چرا زیارت کعبه به عنوان یکی از آرزو های خفته در من بیدار شد؟

پاسخ این پرسش هم به ذات خودش یک انگیزه است. مدت یکسال در هند همه اش آموزنده بود بیشترین دیدار از مکان های تاریخی و زیارتگاه هایی که هندو ها و سیک ها در نهایت عقیده مندی شان به عبادت می پر داختند برایم بیشتر آموزنده بود.

شاید در میان انسان های دنیا ، هندو ها و سیک ها از شمار پیش قدم ترین مردمان باشند که در عقیده و مذهب شان بسیار صادق و جدی هستند. در همین زمانیکه این سطور را می نویسم ، هفته نامه عقاب بدستم افتاد که در آن ، یک مطلب جالب تحت عنوان مراسم عروسی دوگاو در هند برگزار شد تو چه مرا به خود جلب کرد. در صفحه سوم شماره 92 یکشنبه 19 جوزا سال 1393 چنین آمده است:

### مشاهده ی خرافات در هند

“مراسم عروسی دو گاو در هند برگزار شد! به گزارش دیلی میل در این مراسم دوگاو نر و ماده طی برنامه ویژه ای با حضور بیش از 5000 نفر از مردمان روستا ها که شغل اصلی شان زراعت است و با حضور مردان مقدس به ازدواج یکدیگر در آمدند . این مراسم بیش از 15000 دلار هزینه داشت و هدف از برگزاری آن باور به این موضوع است که این ازدواج از بلا های طبیعی در فصل کاشت و برداشت محصولات زراعتی پیشگیری خواهد کرد. هندوستان بعنوان بزرگترین ممتل دموکراسی در جهان، این

گونه خرافات رانیز دارا میباشد. این در حالیست که عده ای از فرهنگیان به این باور اند که فرهنگ در واقع حس تلقین گونه از واقعیت های طبیعت می باشد . هر جامعه با طرز تفکر متفاوت شان فرهنگ های متفاوت را خلق می کند که برای جامعه های دیگر نمادی از خرافه به شمار می رود اما برای خودشان وسیله و راهی برای نجات از بزرگترین معضلات طبیعی و دنیوی".

جدیت آنها در عبادات و شوق زیارت از مکانهای مقدس شان مرا وا داشت که به زیارت بیت الله الحرام بروم. بعد از یازگشت سفر هند به کابل، گاه گاه خواب خانه ی خدا(ج) را می دیدم و بیاد پدر و پدر بزرگم میافتادم که چگونه تصمیم گرفتند که حج فرضی را ادا کنند؟ آیا این تصمیم بسیار مشکل است؟ پدر و پدر کلانم حاجی حیت مراد و حاجی عبدالرحمن هر دو به زیارت بیت الله شریف مشرف گردیده بودند ، چه از لحاظ عقیدتی و چه از نقطه نظر وظیفه رسمی ام، بر من فرض بود. هر چند در حکومت حامد کرزی و خصوصا در اردو رخصتی امر ساده نیست اما من با سعی و تلاش ، مدت دو هفته رخصتی قانونی از قوماندانی تعلیم و تربیه و ریاست عقیدتی و فرهنگی گرفتم تا بتوانم ثبت نام و طی مراحل حج را در شهر کابل انجام دهم بخاطریکه جریان این عملیه دق الباب دفاتر مربوطه از 4 می 2014 تا 19 می را در بر گرفت .

\*\*\*



## دو راهی تصمیم و انصراف

از دسامبر 2013 تا 4 می 2014 در جستجو و انتظار اجازه از مقامات نظامی اردو بودم بآنکه وعده اعزام مرا از طریق سهمیه وزارت دفاع ملی در سال جاری به مصرف خودم به حج فرضی داده بودند و امیدوار هم بودم اما جریان به گونه ی دیگر تغییر کرد. زمانیکه مکتوب را از سلسله های مختلف به عنوانی وزارت محترم حج و اوقاف وبه ویژه ریاست امور حج طی مراحل می کردم ، مسئولین بخش آنرا محول به سکونت اصلی ام ساختند دلیل شان این بود که من باید انتظار بکشم تا شامل سهمیه ی ولایت سمنگان شده و در شمار حاجیان آن ولایت به سفر حج بیت الله بروم. مسوولان حج و اوقاف کابل با ریاست حج ولایت سمنگان در تماس تلفنی اطلاع حاصل کردند که در انجا سهمیه ی باقی نمانده است و نوبت مرا به سال 1395 خورشیدی محول کردند.

اذیت کردن و دواندن افراد بی واسطه در دفاتر کابل چیزی معمولیست مشوره و دلسوزی های دروغین نهاد های مربوط یک پیام برایم داشت ، آن اینکه یعنی رفتنم به حج بیت الله با این زودی ممکن نیست. برایم معلوم بود که اگر من از مقام های بلند رتبه می بودم ، دیگر نیاز به زحمت و پاس دادن های زمانگیر نمی بود اما یگانه کاستی من نداشتن مقام بلند دولتی بود. حق تلفی ها و پشت نخود سیاه فرستادن ها و ادارم کرد تا جدی تر اقدام کنم تا سال و سالهای بعد خدا می داند که من زنده بمانم یا خیر .

به نگهبانان افغانی سفارت عربستان سعودی مقیم کابل مراجعه کردم و از آنها خواستم تا در مراحل ثبت نام حاجیان مرا راهنمایی کند. آنها مشوره خوبی دادند و برایم گفتند: بهتر آن است که از طریق شرکت های خصوصی سیاحتی و زیارتی که شناخت نزدیک به این سفارت دارند اقدام کنید به این

مقصد پیش از این پاسپورت جدید الکترونیکی پنجساله را گرفته بودم و پس از پرس و پال زیاد در مورد نرخ تکت و مصارف حج از بسیاری شرکت ها ، سرانجام شرکت سیاحتی و زیارتی سلطان مدینه را مناسب حال و احوال خودم پیدا کردم.

\*\*\*

### به سوی بیت الله شریف

بعد از تلاش و پیگیری زیاد به كمك حاجی محمد شفیع توانستم در کوتاه مدت ویزه و تکت طیاره آریانا را با مصارف شخصی بدست بیاورم. این آخر کار نبود ، مشکل دیگری هم مرا تهدید می کرد و آن در جریان قرار نداشتن رئیس شرکت سیاحتی و زیارتی سلطان مدینه، حاجی شاه محمود بود. به هرحال حاجی شاه محمود در پرداخت و تحویل دهی پول نیز مرا یاری کرد.

سه میه 5 نفری برای هر وزارت در مراسم حج فرضی به ارجمندان و صاحبان مقام های بزرگ تعلق میگیرد و به افراد بی واسطه چنین زمینه ی هیچگاه میسر نیست . این گونه موارد در تمام دفاتر دولتی افغانستان به گونه ی تکراری اتفاق می افتد. بعد از بدست آمدن تکت هوایما آماده گی رفتن را گرفتم اما پیش از آن باید با نزدیکانم خدا حافظی می کردم چرا که این هم یک رسم است و هم چنان یک فرهنگ در سفر به بیرون از کشور، به هر صورت از ماما ی بزرگم، برادر و فرزندانم اجازه رفتن به حج عمره را گرفتم. دل آدمی پر از آرزوهاست اما یگان آرزو اگر برآورده نشود هر چند کوچک هم باشد زخم ناسور به دل می زند آن اینکه علاقه داشتم حد اقل حاجی سیف الدین خرمی و انجینر دوست محمد به عنوان نزدیکان تا میدان بدرقه ام کنند اما نبود شان و یا عدم توجه شان بسیار به دلم

سنگینی کرد و به عنوان خاطره ثبت اوراق زنده گی ام شد. این را خوب درک کردم که برخیهابه دنبال آدم غریب وبی صلاحیت روان نمی شوند تا زورمند، موقف بلند و سرمایه دار نباشد البته از دوستان خارج از کابل گله و شکوه ندارم و آنچه حرفی دارم با همدیاران کابلی ام می باشد که چندی قبل دوستان بزرگوار بلخی، سمنگانی و کابلی ام به ملاقات یونس قانونی رفته و مرا در جریان نگذاشته بودند. روز جمعه 12 ثور 1393 به تنهایی به دیدار پروفیسور استاد عبدالستار سیرت رفتم و از هدف رفتن به حج عمره برایشان یاد کردم که جناب شان خیلی خرسند شدند و مرا بیشتر تحسین و استقبال نمودند. پس از صرف طعام و ادای نماز ظهر آرام آرام با دل جمع که بدنم خیلی سبک به نظر می رسید، بادستان خالی صرف احرام و سه جوهر لباسم را با خود گرفتم و رهسپار میدان هوایی کابل شدم. تا میدان هوایی کابل، تنها راننده ام برید مل نجیب الله مرا همراهی کرد ، یگانه کاری که در آن مدت کم می توانستم انجام دهم این بود که با تماس های تلفنی دوستانم را از رفتنم به سوی عربستان سعودی با خبر سازم.

\*\*\*

سالون انتظار

در سالون انتظار تعداد زیادی صف آرای بی به مقصد عزیمت جده را دارند و به قول نماینده آریانا توقف کوتاه در کویت باید داشته باشیم. با استفاده از وقت من مصروف نوشتن خاطرات آغازین سفر بودم اما دیگران بسویم خیره خیره می نگرستند. یک مرد چاه آبی تخاری که خودش را جلال الدین معرفی کرد که نیت عمره را داشت، آشنا شدم. او که یک لحظه هم تلفون همراه اش را آرام نمی گذاشت متواتر به صدا بلند حرف می زد و در جای خود آرام نمی نشست. این مرد به من انس گرفت و حرکات اش جالب بود و احساس اش را به خوبی درک کردم.



الحاج عبدالواحد خرم سمنگانی و حاجی جلال الدین چاه آبی تخاری در فرودگاه هوایی کابل- به سوی جده

سفر در پیش رو داشتم اما سیلاب زده گان خرم و ساریاغ، لغزش کوه در ولسوالی ارگو بدخشان هوش و هواسم را در میان فریادها و خانه ویرانی شان رها نمی کرد. بیجا شده گانی که همه هستی شان را کوه خاکی بزرگ و سیلاب های متواتر بلعیده و ربوده بود، آنها بدون سرپناه با ید این در بدری را تحمل می کردند.

نمی دانم که تا آخر، سفر مان چگونه خواهد گذشت . طوریکه در سفر بار دوم به هند در دسامبر 2013 ، که در کتاب تجارب از هندوستان در 2013 از آن یاد کرده ام، از سفر به آریانا خیلی خاطره ی خوش نداشتم چرا که به زمان تعیین شده حرکت نمی کند و انتظار در فرود گاه بسیار سنگین تمام می شود . اتفاقا شرکت سلطان مدینه نیز از این هوا پیما تکت ها را در اختیار مان قرار داده بود. این شرکت ، مسافرینش را ساعت 1 بعد از ظهر به میدان خواسته بودو مطابق تکت، پرواز باید ساعت چهار ونیم عصر صورت می گرفت ،متاسفانه پرواز ساعت شش شام صورت گرفت .باران با شدت تمام زمین و زمان را می کوبید و ساعت دوازده ظهر به میدان هوایی داخل شدم، اما معلوم نبود چند ساعتی را در انتظار هوا پیما خواهم نشست.

یکبارگی شوقی به دلم افتاد تا این سفر را نیز مانند سفر به امریکا و تجارب از هندوستان ، چیزیکه واقعیت دارد باید به تصویر بکشم.

\*\*\*

با حاجیان نا آشنا

عمله پروازی ما ساعت 6 حرکت کرد و بعد از 5 ساعت پرواز در میدان هوایی بین المللی جده نشست. همه حاجیان در این هواپیما به استثنائی چند نفر، احرام بسته بودند و تعداد محدود در میدان هوایی کابل احرام بستند، در پوشیدن احرام در داخل طیاره آشنائی چندانی نداشتم، وضو گرفتم و احمد سیر تورن عمله پرواز در طیاره آریانا بمن کمک نمود تا احرام را بهتر ببندم.



صبحدم درجه حرارت در شهر جده شریف 31 درجه بود. با دو بس بزرگ به ترمینال رسیدیم اکنون منتظر تاپه ی دخولی بر پاسپورت های مان هستیم و همسفران زیادی از طبقه انات افغانی نیز همرايمان استند که نیت عمره را دارند، اول به کسانی چانس داده می شود که اقامه داشتند آنها به بستن احرام ضرورت ندارند، افراد افغانستانی با سراسیمه گی در داخل طیاره، در حضورداشت خانمها پیروجوان به لباس کشی که چندان خوش آیند و ستر اسلامی را نشان نمیداد شروع کردند. همه وارخطا و اکثریت نماز عصر و شام را نخواندند، من در طیاره نیت بسته نماز خفتن را ادا کردم اما احرام بستن خیلی ها مهم و لحظه به لحظه در میان شان تکرار می شد. گویی در سالون طیاره روز محشر است، بوی و تعفن از بدن ها بالا شده است. مسوولان میدان عربستان سعودی در جده با شناخت کاملی

که از افغانها دارند به آنها ارزش نمی دهند . در حالیکه نماینده نام نهاد آریانا نیز حضور دارد ، افغانستانی ها بی نوبتی می کنند. از این معضله نجات یافتیم و پس از انتظاری خسته کن توسط بسها به مکه مکرمه رسیدیم و در هتل بنام (فندق ابراج الفضيله) در اطاق 117 توسط نماینده شرکت یکجا با الحاج غلام جیلانی زابلی ، سید عارف نبی زاده و ننگیالی نبی زاده همراه شدم.

در میان همراهم که همه از افغانستان هستند ، حاجی زابلی در حاکمیت حضرت مجددی به حج فرضی آمده و فهمیده می شد که او همه راه و روش حج را خوب می داند . به گفته ی خودش مدت دو سال نیز در اینجا اقامت داشته است ، از دیگر همرا هام و همسفرانم احوالی ندارم زیرا شرکت ها افراد مربوط خود را طبق پلان خویش تقسیمات نمودند و ما از طریق چندین شرکت مختلف به سعودی آمده بودیم.

تازه غسل کرده و احرام بتن کرده ایم به سوی طواف کعبه شریفه روان شدیم . از باب ملک عبدالعزیز ال سعود پدر ملک عبدالله سلطان کنونی سعودی گذشتیم و مراسم مربوط را طبق تجربه زابلی صاحب ورهنمود شرکت سلطان مدینه انجام دادیم .

\*\*\*



فوتو با حاجی سید عارف نبی زاده

## پاکترین دیدار

خوابهایم، رویا هایم که زمانی مرا چون پروانه ی دل باخته و در سوز گداز بدور کعبه ی شریف می چرخانند. فرا رسید و چشم هایم به جامه سیاه و ساحت مقدس آن مقام افتید، در حالیکه احرام به تن داشتم دیگر همه چیز و هم جا از دل، فکر و هوشم رفته بود تنها تمام درد ها ی زنده گی توام با شوق دیدار از سینه ام فوران زد و گریه مجالم نداد این که در ساحت مقدس و ساعت ها طاعت و عبادت درمن چه گذشت، بحثی است که قلم توان گفتگودر مورد آنرا ندارد در برگشت از خانه ی کعبه ی شریف، راه را گم کردیم و بعد از سرگردانی دو ساعته و گرمی جانکاه سعودی راه اتاق را پیدا کردم درد شدید کلیه مرا زمین گیر کرد و نگذاشت بیدار دوستاتم بروم در حالیکه با معلم رازق سمنگانی نیز وعده ملاقات گذاشته بودم ساعت که باید دو بجه با هم ملاقات میکردیم اما به خاطر درد شدید گرده به تعویق افتاد.



معلم رازق سمنگانی

از یک طرف مفقودی کلید بکس بخاطر تبدیلی لباس مشکلی را ایجاد کرده بود و در همین روز با استفاده از موبایل همراه حاجی معلم به استاد فرهمند



و شماری دیگر دوستانم تماس تلفنی گرفتم. حاجی معلم تکلیف زیاد کشیده یک لگن قابلی از یکی سمنگانی با دونوع کباب ونان خوش مزه ونوشابه های خوب برابم آورد. بعد از صرف نان ، از گذشته ها وضعیت کنونی مخصوصا خسارات ناشی از سیلاب زده گی درسمنگان ، حادثه المناک ارگوی بدخشان وجوزجان درد دل کردیم ودر مورد انتخابات ریاست جمهوری 2014 و انتخابات پارلمانی سال 2015 یاد اوری کرده ویادی از انتخابات دور اول پارلمانی سمنگان که نگارنده از جمله یکی از نامزد های مجلس نماینده گان و استاد عبدالخالق برادر معلم رازق از جمله نامزد های شورای ولایتی بود که هر دو موفق نشدیم مروری کوتاهی داشتیم. این مرد مهربان وخوش برخورد با من صحبت های همه جانبه داشت که کاملا حب وطن، ایمان داری، مهر ومحبت اش به همدیاران در سیمایش مشهود بود ، او به حال مردم بیچاره افغانستان ،سمنگان و وضعیت امنیتی کشور ،علاقه فراوان داشت ، من نگرانی های حادثات اخیر در سمت شمال افغانستان را در چهره اش خواندم .

شهر مکه خاستگاه اسلام



شماره تیلیفن های دوستان سمنگانی ام در سعودی را از استاد الحاج قدوس فرمند در کابل گرفته بودم . وقتی عربستان رسیدیم به پیشوازی ما ، نماینده گان افغانستانی شرکت سلطان مدینه خلاف توقع تشریف نیاوردند و به همراه ما پس از یک ساعت انتظار در هتل ، با دو جوان ترکتبار کشور مان به نام های محمد نعیم و عبدالرحمن آشنا شدم ، آنها حاجیان را به اطاق های شان رهنمایی می کردند . ان دو جوان مهربان بهترین اتاق را از نگاه موقعیت در اختیار من و چند همراهم قرار دادند ، خدمت های صادقانه شان قابل قدر است . حاجی جان گل پوپل سمنگانی از من و همراهانم استقبال گرم کرد ، او با مقدار فراوان از نوشابه های گوناگون به دیدارم مان آمد . این دوست مهربان با اصرار زیاد مرا به خانه اش دعوت کرد که خانه اش در دامنه جبل النور در یک ساحه وسیع قرار دارد . او از امکانت خوب زنده گی بهره مند بود و در مهمان نوازی لحظه یی را فرو گذار نکرد . از انترنیت اش استفاده کرده و تماس های با دوستان بیرون و خارج از سعودی بر قرار کردم .



### نگارنده با حاجی جان گل پوپل سمنگانی

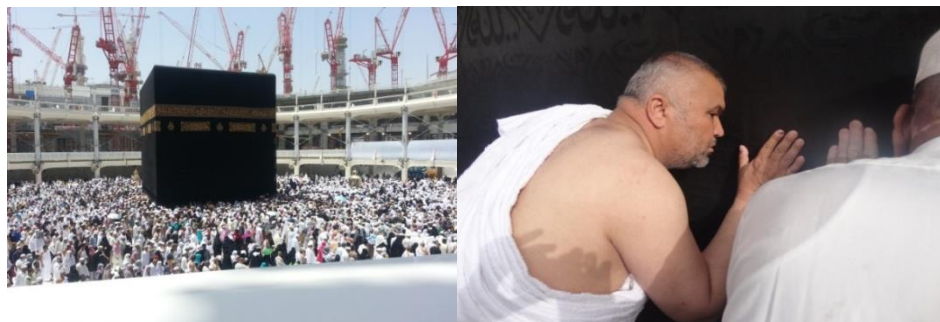
به خاطریکه از سعودی چیزی بیاد گار در ذهنم داشته باشم همراه این دوست مهربان گشت کوتاه به داخل شهر نمودیم تا اوضاع سعودی از لحاظ امنیتی و اقتصادی بیشتر برابرم روشن شود .

در جریان دید و باز دید از شهر مکه مکرمه باسه جوان سمنگانی به نامهای حاجی نصرت الله ، حاجی عبدالمتین وحاجی دلاور آشنا شدم که در یک هتل بزرگ آن شهرکار می کردند.

شهر مکه ی مکرمه در غرب سعودی به فاصله یک هزار کیلومتر از ریاض موقعیت دارد ، درحرم شریف یک باب دروازه بنام مقام ابراهیم "ع" وجود دارد که تنها شاهان و بزرگان دولت های اسلامی میتوانند به داخل آن راه یابند. ادای هر نماز فرضی در مسجد الحرام به اندازه ثواب دارد که یکبار نماز معادل یک صد هزار نماز می شود، نوافل و غیره نسبت بردیگر جاها در محیط کعبه شریف ثواب بیشتر را به حساب ایمانی و معنوی نصیب میگرداند .

هر روز ازدحام بخاطر زائران جهت طواف بیشتر می شود ، گروههای زیادی از زنان و مردان از کشور های همچو ایران ، اندونیزیا ، هند ، پاکستان ، افغانستان و تمامی کشور های اسلامی اوج گیر می شود. موج عظیم مسلمان از هر گوشه ی دنیا تنها برای یک هدف زیارت بیت الله الحرام . پس از اختتام مراسم عمره تا رفتن به مدینه منوره سعی حجاج

در آن است که نماز های پنج گانه را با جماعت و نوافل در مسجد حرم شریف آنهم بشکل جماعت در عقب امام خوش آواز و خیلی عالم بزرگ دنیای اسلام بخوانند. در هر طواف به حق مرده گان ، اقارب و دوستان ، صلح امنیت به افغانستان نیت میبندم . چهار نفر بودیم ، حاجی زابلی دعای اللهم لبیک را به صدای بلند خوانده میرفت و ما سه تن دیگر آنرا تکرار میکردیم ، اطراف حرم شریف با بالا کردن هر دو دست بسم الله والله اکبر را گردشگران با اواز بلند ادا و شانه چپ به سوی حجرالاسود و شانه راست ما بسوی صفا قرار دارد در سه گردش اول شانه راست برهنه و با کمی سرعت هفت گردش نمودم و حجرالاسود را خوب لمس و بوسیدیم و گریه سرکردم .



### مقام ابراهیم "ع"

در مقام ابراهیم "ع" ادای دورکعت نماز واجب میسر نگشت زیرا ادای دورکعت نماز در این مقام آنهم در میان ازدحام غیر قابل باور بسیار به سختی امکان پذیر بود ، اما من ادا کردم. دو جوان خود را گم کردیم ، این بیشتر نگرانمان کرده بود با وصف آن ، بسوی صفا حرکت نمودیم ، سه دم آب زم زم را در مسیر راه به جناح راست

نوشیده و به مقام صفا و مروه در حرکت شدیم و با سعی افسر سعودی رهنمائی ما که من با او به انگلیسی صحبت کردم.

مقام صفا کوهی است که داخل آن با پنجره ها احاطه شده و از این جا پیامبر بزرگوار رو به قبله ایستاده دعا کرده است ، چون ما راه پیامبر را تعقیب می کردیم ، ایستاده دعا و به جناح راست شروع به سعی کردیم و هفت بار گردش نمودیم.

آغاز از صفا و ختم هر دوره در مروه . مروه کوه سنگی است خیلی ها زیبا ، حرکت سریع دوش در ساحه ی چراغ سبز هفت بار صورت میگیرد. از تمام لحظات خویش عکس برداری کردیم که خوشبختانه ممانعت وجود نداشت .

به انجام این رسم اسلامی که برای بیرون شدن صف طولانی کشیده اند، من و همراهانم از آنجا بیرون شده به سوی دوکان سلمانی رفتیم ، نرخ های سرتراشیدن متفاوت است اما قیمت نسبت به سایر محلات با وجود اینکه موی خود را در کابل تراشیده بودم با پرداخت 10 ریال طبق رهنمود تیغ را سلمان از سرم کشید و در این جا حج عمره بار نخست تکمیل گشت در روز اول ، در حالیکه هنوز احرام بتن داریم به اطاق ها آمده احرام ها را از تن بیرون کرده و دوباره غسل گرفتم و دوباره به حرم شریف بخاطر ادای نماز مغرب و عشا با لباس عادی در عقب امام کعبه شریف قرار گرفتیم ، این کار تا رفتن به مدینه منوره ادامه پیدا کرد .

دو رکعت نماز واجب در مقام ابراهیم چندین بار ادا کردم و در صورت ممکن زم زم می نوشیدم ، آری این تن افسرده هیچ گاه سیرنشده و تشنه گی اش بیشتر و بیشتر فوران می زد. خادم حرمین شرفین ملک عبدالله در کنار کعبه شریف قصر مجلل دارد که تپه های سنگی آنرا احاطه کرده است اطراف کعبه در حال بازسازی و حفر کاریست . تمام ساختمان هایی که در

حاکمیت ترکان اعمار شده بوده است ، ملک عبدالله آن را می خواهد به گونه ی عصری باز سازی کند. به گفته افغانستانی های مقیم مکه مکرمه ، دولت ترکیه به طور دوام دار خاک این مخروطه ها را توسط طیاره به ترکیه می برند ولی تمام مواردی مربوط به احیا و بازسازی داخل و اطراف حرم شریف را مهندسان وانجینران ترکی انجام میدهند.

کار ساختمانی به مکان های یاد شده به شدت ادامه دارد که گویا در چهار صد سال حاکمیت ال سعود خوابیده باشد دلیل این همه شدت کاری در اینجاست که عواید سعودی از ناحیه حجاج بلند رفته است. در اطراف حرم شریف چنان تعمیر های بلند صدها طبقه یی آسمان خراش وجود دارد که چشم به دیدن آن خیره میماند.

اطراف کعبه شریف همه و همه کوه های سنگی آند وچنان گرم که هنوز ماه ثور است این ساحات همه خشک بدون درخت های منمر و غیر منمر آب نوشیدنی شهر مکه را از بحر جده شریف تصفیه شده با ریختادن شکر بداخل نل ها از آنجا می آورند . مردمان این سرزمین خیلی خوشحال ، مغرور و ثروتمند استند و حکومت سعودی بسیار قوی و پول دار است ، تمامی انواع غذا ها ومیوه ها ، ترکاری وانواع سامان الات مدرن جهان ، آخرین مودل موتر ها در مکه مکرمه دیده میشوند.

اکنون شرکت خصوصی سلطان مدینه پلان دارد تا ما را به شهر مدینه منوره به زیارت سردار دوجهان حضرت محمد "ص" ببرد که طبق دستورالعمل در آنجا با لباس پاک واستعمال خوش بوی وبا ادای دورکعت نماز با خشوع ، عبادات خود را آغاز خواهیم کرد.



احکام مربوط به عمره در چهار چیز خلاصه میشود که عبارت است از:

1- احرام . 2- طواف کعبه . 3- سعی بین صفا و مروه . 4- تراشیدن و یا هم قصر کردن موی سر است. اما افعال دیگری در حج فرضی چون وقوف به عرفه، مزدلفه ، سنگ زدن شیطان در منا، طواف زیارت و طواف وداع وجود دارد ، که در عمره نیست. زیرا سپری نمودن دوشب در مینا ، 49 سنگ را جمع آوری و آنرا در مزدلفه بر سر شیطانان زدن و ذبح گوسفند" شکرانه" و حضور در روز های عید و عرفات نا تمام باقی میماند.

\*\*\*

### ترتیب نماز های پنج گانه در سعودی

چگونگی ترتیبات نماز های پنج گانه در سعودی در هر سال متفاوت است. پیش از آذان نماز صبح اول آذان تهجد صورت می گیرد و بعدا نظر به توان و طاقت هر کسی، نماز های تهجد را ادا می کنند ، پس از ادای هر نماز جماعت نماز جنازه خوانده می شود و تعداد زیادی میت ها آورده می شود . در گذشته ها فکر می کردم که در کشور مثل افغانستان اینقدر غریب، نیازمندان، گداهای، شهدا معلولین و معیوبین جنگ های سه و نیم دهه، زلزله زده گان، سیلاب برده گان و زیر برف شده گان و به این تعداد حجاج سالانه چه عمره و چه فرضی ، چرا این کمک ها به آنها صورت نمی گیرد ، اما

با زیارت بیت الله شریف و ادای مراسم حج مفکوره ام تغییر کرد، طبقات مظلوم همیشه وجود داشته و دارد از تاریخ پیدایش بشریت. حضور در مکه مکرمه ، مدینه منوره و اشتراک مستقیم در اجرای ترتیبات حج ، در زنده گی مسلمان زائر این خانه تغییرات بنیادی بوجود می آید و از سوی دیگر با ملل دیگر اسلام آمیزش ، حرکات و سکنات سعودی ها از نزدیک مشاهده، تحلیل و مقایسه از روش جاری اسلام در اینجا و افغانستان فهمیده می شود.

آمدن به بیت الله شریف در صورت موجودیت امکانات کار خیلی ها اسلامی و بجا بوده و رکن پنجم اسلام می باشد . ناگفته نباید گذاشت که در سند بدست داشته از شرکت سیاحتی و زیارتی سلطان مدینه انجام موارد زیر ممنوع بیان شده بود:

- 1- پوشیدن لباس دوخته شده برای مردان
- 2 - پوشانیدن سر و روی برای مردان و روی برای زنان
- 3 - استعمال خوشبویی
- 4- قطع نمودن ناخونها
- 5 - دور کردن بوی بدن به هر گونه ای که باشد .
- 6 - شکار نمودن در مناطق خشکه
- 7 - جنگ و پرخاش
- 8- دوری از تعلقات شهوانی
- 9 - چرب نمودن بدن
- 10 - قطع و یا شکستادن اشجار حرم مقدس .





موضوع مهم وبا ارزش در طواف کعبه و نماز های پنجگانه اشتراک فعال و یکجایی زنان با مردان است که دموکراسی واقعی اسلامی را به تصویر می کشد ، در مراسم آنچه قابل یاد آوری است اینست که چه در مسجد هوتل فندق ابراج فضیله و یا در مسجد جامع حرم شریف و مسجد نضحه در شهر طایف که نماز ها را ادا کردم، روش نماز خوانی گوناگون وجود داشت و گذشته از آن در جوار " خارج از حرم " یک روش دیگری نماز خوانی را نیز مشاهده کردم که خیلی دور از حرم، زنان و مردان کشورهای مختلف اسلامی اجرا می کردند. آنان گروه گروه در ساحات گوناگون در میان تپه ها و سرک ها مشغول نماز خوانی بوده وصف آرایبی منظم وجود نداشت

کعبه شریف در عمق دره موقعیت دارد که از چند طرف فراز و نشیبی داشته ، موتر ها و پیاده ها پایین میشوند، به گفته عرب های سعودی به مکه پایین شدن است.



فوتو از جوار هتل موقیعت ما در حومه مکه مکرمه

موضوع خواندن گوناگون نماز ها حتی در یک صف ، نمایی از فعالیت و ترتیبات مذاهب جاری چهار گانه وفقه های مربوط آنست .

ارکان سه گانه عمده :

1- احرام بستن

2- طواف عمره

3- سعی عمره

واجبات عمره

1- احرام بستن

2- کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر .

هیچ یک از مناسک حج بدون انجام ارکان مذکور تکمیل نمی گردد.



استاد فرهنگد، نگارنده، حاجي زابلي و نبي زاده

چنانچه کسی واجبی را ترک کندخون " نبح مال"دم بر او واجب می گردد اگر سنتی از نیت‌های حج را ترک گویدچیزی بر او نخواهد بود "جزایی چون دم بروی لازم نخواهد شد".

چهارم می در سفری از کابل تاجده شریفه و تارسیدن به هتل ، درحالیکه احرام به تن داشتم روزاول 5 می عمره مابدون رهنما انجام شد امامدرششم می بعدازظهربه سوی مسجدتنعیم یامسجدعمره حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها" رفتیم و دو دورکعت نماز ادا کردیم. آنجا به دریوری عمران خان پاکستانی رفتیم وبرگشتیم . درهمین روزبدون آگاهی قبلی ، استاد فرهنگد که درطایف زنده گی داردوآنجا مدیر یک مدرسه است، جهت ملاقات بامادر داخل حرم شریف تشریف آورد وباحاجیان هم اطاقم معرفی اش کردم ، بآمدن استاد فرهنگدبسیار خوشحال شدم .طواف حجرالاسوداغاز وی قدوم حضرت ابراهیم "ع" رادرمقامش که مقابل حجرالاسود وباب ملتزم قراردارندشان داد و سپس چهاررکعت نماز رادرباب ملتزم ومقابل مقام ابراهیم "ع" یکجا اداکردیم .



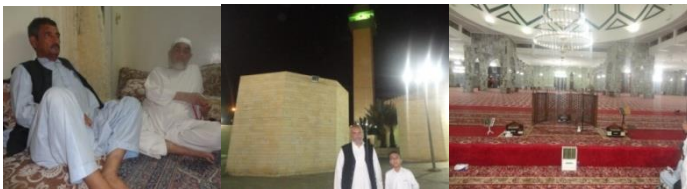
دوباره هتل آمدم تا برنامه رفتن به طایف را تنظیم کنیم ، کسی عملاً به حساب موترماراکم نکرد به توکل خدا(ج) از عقب حرم شریف در یک تکسی سوار شده درحالیکه یک مسلم احرام داربنگله دیشی و دیگری پاکستانی نیز در موتر همراه بودند. سر انجام هردوی مان بعد از یک نیم ساعت سفر خوش آیند به طایف رسیدیم، الحاج عبد الرحیم برادر بزرگ استاد فرمند، بی صبرانه منتظر ماست ، پیوسته تیلیفنی تماس می گیرد، حاجی کاکا از سال 1356 تاحال در همین شهر زنده گی دارد و هفتاد هفت ساله می باشد.

\*\*\*

## طایف زیبا و تاریخی

در سعودی بیست هفت ملیون انسان و هشت ملیون مهاجر که جمله 35 ملیون می شود، زنده گی دارند، این کشور سرمایه دارترین کشور دنیا است از لحاظ عاید حج و نفت و گاز . قوانین سخت شرعی این کشور توانسته است ثبات و امنیت را درین شهر حاکم بسازد.

در میان مهاجران در سعودی، به تعداد 200 فامیل که حدود 10000 تن می گردند تنها از سمنگان در این کشور به کار و زنده گی شخصی مصروف هستند.



### تصاویر از شهر زیبا و تاریخی طایف شریف

این شهر در محدوده ی مانند شهرایبک و مزار شریف از مکه مکرمه فاصله دارد ، حدود یک میلیون اهالی داشته شهر خیلی زیبا، دارای آب و هوای دلکش و معتدل و شهر همجوار با مکه می باشد.

قیودات زیاد در رفت و آمد خارجیان درین شهر وجود دارد ، ورود به طایف با وجودیکه پاسپورت در اختیار ندارم به کدام موانع دچار نشدم . در این شهر زیبا، مستقیماً به منزل حاجی رحیم رفتم که در آنجا حاجی عبدالله یکی از تاجران ملی کشور و از شمار از یک های سمنگان مقیم مکه است، وی شخص جوان از نظر سن بوده و خود را مقرب دربار جنرال دوستم به من معرفی کرد.

غذایی لذیذ شبانه ساعت 12:00 شب در منزل کاکا حاجی رحیم صرف کردیم و پس از صحبت های گرم و تبادل افکار بایاد خوب و بد از رهبران افغانستان، که تکلیف افغان ها در تمام دنیا است شب راسپری کردم و نماز بامداد را با شنیدن اذان در طایف شریف بجا آوردم ، استاد فرهمند به خاطر اداره مکتب اش، شب از ما رخصت گرفت و رفت.

7 می تا ساعت 2 بجه در منزل حاجی رحیم ماندم زمانیکه استاد فرهمند رسید و چای صبح را صرف و به توافق هم مدرسه وی را دیده که در منزل بالا آن حاجی قطب الدین فرزند ارشد مرحوم مستوفی ابراهیم جان زنده گی داشت که ما را به چای دعوت و الطاف زیادی ابراز و جمعا به دیدن یک مریضی که 9 ماه کامل را در بستر نسبت حادثه ترافیکی بسر می برد و به فضل خداوند تاهنوز زنده است به عیادت رفتیم.

موصوف نذیر احمد نام دارد از شهر قدیم سمنگان بوده و کدام پایواز ندارد و ی با يك دختر افغانی در این روز ها نامزد شده است در همین دقایق ، زنگ های از حاجی قاری وحید ، حاجی عتیق الله و حاجی مجید از مدینه و حاجی طوره از نواحی ریاض برابم رسیده است .

شهر طایف به داشتن انگورشهرت دارد ، شهرت تکنالوژی معاصر در عین حال آثار و آبدات تاریخی ، تمدن و فرهنگ اسلام را این شهر در خودش حفظ کرده است . به هر صورت پاکیزه گی ، ساختمان ها و کوچه های نظیف این شهر به ویژه رسته های دکان هایش این شهر را درجهان پر آوازه ساخته است .



استاد فرهنگمردمش راباخصلت بخل تعریف کرد گفتنی اند زمانیکه ناجی بشریت حضرت محمد "ص" بزرگواریه این شهر می آید ، مردمان طایف باوی رویه خوب نمی کنند جبریل "ع" حاضر به خدمت گذاری به حضور محمد "ص" شده اما ایشان اظهار می دارند که خداوند فرزندانشان را توفیق اعطا فرماید و انحضرت "ص" دوباره به مکه مکرمه برمی گردد .

\*\*\*



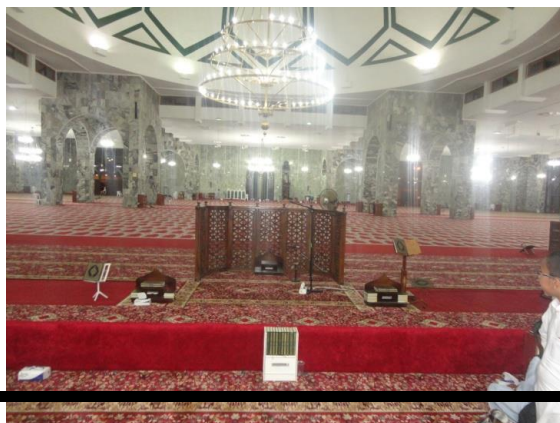
در ضیافت با شکوه در منزل حاجی قطب الدین فرزند مرحوم حاجی ابراهیم مستوفی در طایف شریف

## باز هم از طایف شریف

طایف 1050 کیلومتر از ریاض فاصله دارد ، پرواز های مستقیم هوایی حجاج از بلخ به اینجا جریان دارد، چراغ های بزرگ از برق حرارتی ، سرک ها و جاده های فراخ، درختان مثمر و غیر مثمر اش انسان را به سفر های متعدد به این شهر تشویق می کند، بویژه زمانیکه به انتهای شهر می رسی و آرام و آرام به سربلندیها کوهپایه که 110 گولایی وگردش دارد و 3300 متر را در ارتفاع کوه بالا می شوی.

بازدید طبیعت زیبا و مدخل عمومی آن ، آب و هوا دلکش و گوارا یش مشابه هوای شهر هراری پایتخت زیمبابوی و خرم و سار باغ است ، اما این شهر در میان تپه کوه ها و دور تر قرار دارد.

در همین وقت ، سال گذشته در افریقا بودم ، آنجا نمای دیگر دارد شهر طایف پرچوش، بازار و خانه های ساخت قدیمی اش هنوز از تمدن گذشته یاد می کند ، تعمیر های بلند ارتفاع در اطراف شهر وجود دارد اما ساحه ایکه در آن موقعیت داریم از 2 و 3 طبقه بالا نیست .



میدان هوایی بین المللی طایف شهرت جهانی دارد . در این شهر هر انسان ، جوان و جوان تر می گردد، غذاهای لذیذ و هوای خوشگوار ، نسیم فرحت بخش آن جسم انسان را طراوت می بخشد .

عیادت از مریض رابه عنوان اخلاق اسلامی انجام دادم. محمد کوچک و عبدالرحیم جوان نواسه گان با تربیت و اخلاقی مرحوم مستوفی نیز ما را همراهی کرده و خدمت مان را می نمودند.

12 ک .م دورتر از مرکز شهر با راننده گی حاجی قطب الدین به نخستین مسجد که پیامبر بزرگ اسلام، 14 قرن قبل اعمار کرده بودند و در کنار تپه سنگی قرار دارد رفتیم . تاهنوز چوب ها سوخته ارچه و ساختمان اولی اش باقی است، آنرا از نزدیک زیارت کردیم و تصویر های یادگاری گرفتیم. حاجی قطب الدین نشان داد سنگی بزرگ را که کفار می خواستند بالای نماز گذاران پرتاب کنند که به حکمت خداوند سنگ دیگری به حرکت آمده و مانع آن شده بود. از آنجا به مسجد دیگری که بدست اصحاب پیامبر"ص" ساخته شده بوده است رفتیم.





در برگشت به فاصله ی نه چندان دور ، به مسجد حضرت علی "رض" رفتیم و در هریک 2 ودو رکعت نماز خواندیم. مسجد بزرگ جامع عبدالله ابن عباس عموی پیامبر بزرگ اسلام که مقبره اش نیز در کنار مسجد ش باسایرین در یک قبرستان مدفون شده اند را نیز مشاهده کردم در این مسجد نماز عصر را خواندیم که در حدود 5000 تن در یک وقت رادر خودش جای می داد، این مسجد دارای 12 دروازه و 400 پایه دارد ما در حالی ازین مسجد بازدیدمی کردیم که کار باز سازی آن در جریان بود. در بیرون مسجد صفی از خانمها با پوشش حجاب سیاه به چشم می خورد به سوال گری مصروف بودند.

از آنجا به دیدن مسجد ملک فهد برادر پادشاه کنونی که ده سال قبل وفات کرده است رفتیم ، این مسجد واقعا زیبا وبزرگ است ، در یک وقت گنجایش 3000 نماز خوان را دارد وخیلی ها باسنگ های قیمتی وکاشی ، به گونه ی مدرن اعمار شده است .

از آنجا با یک توقف کوتاه در بالای تپه سبز با صرف نوشابه ، به مسجد کوچک در مسیر راه روان شدیم تا نماز خفتن را در آنجا ادا نماییم. در این مسجد همه تسهیلات وجود دارد ، مجهز به همه چیز، الماری های گوناگون، بالشت های چوبی طولانی که تکیه زدن را اسان می سازد وکسانیکه نا وقت تر می آیند به شکل گروهی دوباره جماعت را برپامی کنند وهر نماز گذار به سلیقه خود نماز می خواند .

\*\*\*

## آخرین روز در طایف

حاجی قطب الدین ما رابه منزل استاد فرهمند رسانید و خود روانه کارو بارش شد. شام آن روز جهت بیمار پرسی به منزل حاجی رحیم رفتیم و همراه وی تصویر های یاد گار ی گرفتیم، حاجی رحیم از ناحیه چشم که در شش سالگی اش صدمه شدید دیده بوده است بسیار رنج می برد . امروز پنجشنبه 8 می وروز آخر اقامت در طایف است ،خواستم با آنها وداع نموده روانه مکه مکرمه شوم اما حاجی قطب الدین فرزند شخصیت نیک اجتماعی و مشهور شمال مستوفی ابراهیم جان مرحوم،بسیار اصرار کرد تا در غذای چاشت با جمعی دیگری در منزل شان حضور یابیم ، من این دعوت را به پاس خدمات شان پذیرفتم .

هم چنان دلیل دیگری ماندم در شهر طایف، اشتراک در یک محفل عروسی فاریابیان مقیم طایف ومشاهده طرز چگونگی پیشبرد عروسی شان در سعودی بود . در اینجا مقصد اصلی ام دیدار وملاقات با همشهریان مقیم عربستان در طایف وسایر شهر ها سعودی است که بیشتر به زنده گی شان آشنا می شدم .

سعودی ملک پر فیض و پربرکت است مهاجرانی که اینجا بنا بر مشکلات جنگ وبد بختی ، مهاجر شده اند بیشترشان زنده گی بهتر از افغانستان دارند . به گونه ی مثال با افسری که در همجواری استاد فرهمند زنده گی می کرد به اسم ربانی معرفی شدم. درسال 1368 به این شهر آمده دارای 7 فرزند بوده پغمانی الاصل است. مشغولیت خرید وآوردن محصولات چپک را از جده به طایف وتقسیم آنرا بالای دکاکین مختلف دارد نه تنها

اینکه از زنده گی اش راضی است بلکه کرایه منزل، خوراک و پوشاک ،  
تعلیم و تحصیل فرزندانش منظم بوده است.

## مهاجران آواره

بسیاری افغانها در این شهر بیکار بوده و از یک شهر به شهر دیگر در  
گشت و گذار اند، زنهای افغان در شهر های سعودی کار نمی کنند ، شرایط  
زنده گی طور یست که مهاجر موتر خریداری نمی تواند کسانی هم وجود  
دارند که بیش از 40 سال زنده گی دارند ولی حق خرید خانه را به اسم  
خود نداشته اند.تنها تعدادی هستند که به نام وکیل شان خانه خریده اند  
و پس از آنکه قصد عزیمت دوباره را بوظن نمایند تاپه خروجی نهایی بر  
پاسپورت های شان زده می شود و خانه به وکیل صاحب می ماند که چنین  
وضع در کشور های شوروی سابق بالای افغانها تحمیل می گردید  
تعداد زیادی افغانها به پاسپورت های تقلبی پاکستانی به سن و سال ساختگی  
، نام بدل و به مثابه ی شهروند پاکستانی آمده اند که این خود مشکل بزرگ  
برای مهاجران افغانستان است . آنها زمانیکه به کشور دیگر می روند  
خانم افغان و شوهر ظاهرا پاکستانی نظر به پاسپورت.

شهر وندان سعودی به این اسناد بلد اند زیرا شغل اساسی عربها تجارت  
و مالدار ی است ، تاجران به چنین حرف ها آنقدر ارزش نمی دهند، یک  
گوسفند در طایف 1200 ریال معادل 300 دالر امریکایی نرخ دارد، معلوم  
نیست که هنگام حج فرضی چه قدر این قیمت بالا می رود. در این سالها  
رجوع به کعبه زیاد شده است.هیچ مهاجری با دوشیزه سعودی ازدواج  
کرده نمی تواند، قوانین اسلامی در عربستان سعودی خیلی سخت است به  
ویژه برای آنانیکه جز یی ترین حرکات خلاف قانون نمایند. دادن جزای

اعدام برای متهمین در قانون عربستان کار مشکلی نیست اکثریت افغانهای مهاجر در شهر های عربی مصروف هتل داری و کار در هتل ها هستند دلیلش هم اینست که بهترین غذا ها را آماده می سازند ، خصوصا مردم شمال افغانستان که غذا های مورد علاقه عربها را به گونه ی عالی درست می کنند. زنها سعودی چند تن خدمتگار دارند، در هر خانه دختر، پسر - مادر و پدر خانواده راننده مخصوص دارند و خودشان راننده گی نمی کند. در نماز های جمعه خانمها به مساجد می روند ، سعودی ها همیشه تلاش می کنند که نماز را در جماعت و مسجد ادا کنند حاجی رحیم وحاجی شمس الدین به عنوان مهاجر افغانستانی عمامه ی اوایل صدر اسلام پوشیده است ، در حالیکه عرب ها ، دستار ویژه ی عربی و پیراهن سفید به تن دارند. آنچه که مشاهده نمودم و برایم درد آور بود ه اینست که بسیاری حجاج زن و مرد افغانستان چون سواد ندارند مانند کشور های ترکیه، ایران، اندونیزیا و مالیزیا به عوض عبادات به خریداری تحایف و طلا باب می پردازند و ترتیبات حج را بدرستی اجرا نمی کنند طوریکه در هندوستان اکثرا بخاطر تداوی نیامده مصروف خریداری سودا و تحایف به نزدیکان شان اند، به همین شکل حج و عمره شان با نواقص صورت می گیرد که ثواب شان کمتر می باشد عربستان سعودی 117 سال قبل ازادی خود را از ترکیه بدست آورده است بهر صورت در علوم طبی و طبابت چندان پیشرفت های قابل ملاحظه نکرده است و از لحاظ فساد یکی از مراکز عمده فساد اداری دنیا محسوب می گردد در نماز های جماعت در مسجد جوار منزل حاجی رحیم چیزی جالب توجه ام را جلب کرد که اطفال خیلی کوچک پسر و دختر را در مسجد با خود می آورند که باعث اخلال هنگام ادای نماز می شود اما عرب های طایف را دیدم که به این امر بی تفاوت اند .

\*\*\*

## راه سیل

یک شام تماشایی به عروسی جوانی از فاریاب به هتل رفتیم ، جمعیت مردان علیحده و خاتمها در سالون دیگر ، کدام موسیقی وبر نامه مذهبی نبود ساعت یک بجه شب همه دعوت شده گان بالای فرش نشسته پلو ، کباب ، ومیوه را صرف کردیم ، امشب هم شب جمعه است برنامه باز دیدم در شهر طایف آخرین لحظات خود را اعلام می دارد .



مراسم عروسی يك جوان فاریابی در طایف شریف

صبحدم پس از ادای نماز بامداد از منزل استادفرهمن رخت سفر برگشت به سوی مکه مکرمه را بستم و یک مشکل در کارم و جود دارد اینکه من به تنهایی رفته نمی توانم چون غیر قانونی به شهر طایف آمده بودم آقای فرهمن از مسولیت خیلی هراس دارد توکل به خدا گفته از منزل استاد بیرون شدیم ، نا گهان تورن ربانی یکی از دوستان پیدا شد و ما را با موتر بار بری اش تا محل حرکت موتر های تکسی بسوی مکه دور تر از ایستگاه رسانید در ایستگاه نیز اجازه نیست چون در یوران اقامه ات را می پرسند واکثرا وابسته به پولیس اند . پولیس در چنین حالت حاجی بدون

اقامه را به زندان روان می کند، سر انجام از راهی که از مکه مکرمه آمده بودیم برنگشتیم. راهی که باید تا مکه مکرمه ما آنرا طی کنیم سرایشی های است که عبور از آن ترس را در عابر ایجاد می کند و مهم تر از آن نابلدی و دلهره های دیگر. در میان این فاصله کوتل بود که به گفته ی راننده سیلاب آنرا تخریب کرده است بنا برین ما از راه دیگر بنام سیل که طولانی تر است به مکه مکرمه رسیدیم و از ترس اسناد در موتر تا ساحه مکه مکرمه جان در جاتم نماند.

استاد پس از صرف چای خاطر جمع از رساندن نگارنده که گویا جبهه ای را فتح کرده باشد آسوده حال گشت و دوباره به طایف شریف برگشت من غسل و طهارت تازه کرده آرام آرام به مکان اصلی به مقصد ادای نماز جمعه به مسجد جامع حرم شریف آمدم و با حاجی زابلی یکجا شدم. ساعت یک بجه، در داخل مسجد جای وجود نداشت و تمام نمازها را به شمول سنتها، نوافل و فرض جمعه در زیر آفتاب سوزان مکه مکرمه در داخل حرم شریف و نزدیکی باب ملک عبدالعزیز در عقب امام مسجد حرم ادا کردم، عرق از سرو رویم مثل باران می بارید. بعد از ادای نماز هر کدام خیلی خسته چون اولین نماز جمعه مان در مکه مکرمه بود، به اتاق برگشتیم و غذا 3 بجه ای حاجی جانگل را با اشتها تمام صرف کردیم.

\*\*\*

## برخی مسایل عمده

در جریان مهمانی ها فراموش نشدنی ام در طایف با استاد فرهمند تصمیم گرفتیم که از تمام جا های تاریخی در صورت ممکن باز دید داشته باشیم. پس از ظهر و ادای نماز جمعه به امامت امام حرم شریف، در فکر تصمیم

برنامه ای بودم که در طایف با استاد قدوس ریخته بودم. منتظر الحاج معلم رازق ماندم تا قرار و عده اش نزد من بیاید .

ساعت 5 وچهل همراه الحاج معلم رازق به استقامت عرفات روان شدیم ، اولین چیزی که برایم جالب بود ذخیره ی آب زمزم بود ذخیره یی که از آن آب زمزم را از حرم توسط نل در همین جا ذخیره واز آنجا به تمام سعودی و جهان صادر می کنند در برگشت ، جناح راست کالج جامعه ام القرا را دیدم که فرزندان این دیار تا درجه دکتورا در آن مصروف تحصیل هستند. الحاج معلم رازق، مرد مهمان نواز با صداقت قلبی راهنمای خوب بود، از جاهای تاریخی و مذهبی معلومات برایم داده وزمینه را مساعد ساخت تا تصویر های یادگاری بگیرم .

دیدارمان از دامنه کوه جبل اللثور آغاز شد، داستان جبل اللثور را خواننده گان محترم می دانند، رهنما و رفیق خوبم در جریان باز دید از هر جای و مکان برایم توضیح می دهد . در مسیر شاهراه بزرگ و وسیع عرفات قرار داریم از پل عرفات گذشته به دشت عرفات ونقطه ابتدایی آن رسیده ایم درمدت اقامت درطایف ومکه مکرمه و مدینه منوره با بسیاری از وطن داران معرفی و ازجمله صحبت گرم و شیرین کلامی آقای سید محمد هاشمی را فراموش نخواهم کرد.



فوتو از آقای سید محمد هاشمی عالم دین و دانشمند بزرگ افغانستان

از حرم تا دشت عرفات 17 ک. م فاصله دارد که درگذشته ها مسلمانان پیاده رفت و آمد می کردند و حالا ایستگاه بزرگ ریل ساخته شده است که در روز عرفات رفت و آمد زایران را آسان ساخته است .

در میدان عرفات 5 ملیون مسلمان در یک وقت جمع می شوند، در میان جاده های وسیع آن راه می روند و آهسته آهسته در اطراف این دشت بردامنه ها و فراز کوه ها و تپه ها سیاه رنگ در رفت و آمد هستند.

به جناح راست میدان عرفه ، حاجی معلم موتر را توقف داد و من به دامنه ی جبل الرحمه بالا رفتم . در دامنه کوه تعداد حاجیان را دیدم که همراه فرزندان شان بر شتر های مجهز با گل و تجهیزات سوار شده اند.

رهنمایم کنار موترش ماند ، من به این کوه تاریخی بالا شدم و از هر طرفش عکس های یادگاری برداشتم . به باور من ، قدسیت این کوه که زایرین زیاد رابه سوی خودش کشیده است این است که بهترین عالم "ص" از همین جا پس از نماز عصر دعا کرده است ، این محل جایگاه قبول دعا است .





### فوتو از کوه جبل الرحمه

از دامنه ی کوه پایان شدم و عزم مسجدنمیره را نمودم و قتی به مسجد رسیدم خیلی بزرگ و عجیب بود گنجایش یک صد هزار تن را در یک وقت دارد که نیمه آن در ساحه ی عرفات ونیمه ساختمان آن خارج از ساحه ی عرفات اعمار گردیده است .



از آن گذشته در ساحه عرفات به محل "عریان" رسیدیم که توقف در آنجا گناه است. قابل یاد آوری است که روز عرفات ، نماز ظهر و عصر در مسجد نمیره یکجا خوانده می شود البته به صورت قصر و جمع . هم چنان شام و خفتن در مزدلفه یکجا قصر و جمع ادامی شود، به گفته ی رهنمایم ، یک شب در مزدلفه خوابیدن تا نماز صبح لازم است و واجب شمرده می شود.

عرفات فرض است در صورتی که انجام نشود بر زایر دم "ذبح" لازم می گردد، شخصی که دم بالایش واجب شده است، از گوشت ان استفاده کرده نمی تواند و این دم "ذبح" در حدود حرم شریف در مکه مکرمه انجام

می یابد در مسیر راه سهولت ها زیاد بر زن و مرد وجود دارد حمام های زیاد و کوه اطراف دشت عرفات را احاطه کرده است. حاجیان در اطراف مسجد مشعر الحرام می خوابند و صبحدم که بیدار می شوند تا برآمد آفتاب، شیطان را سنگ می زنند و پس از آن، خود را آماده ی حرکت بسوی مینا می کنند. خیمه های زیاد سفید رنگ یکسان و یک اندازه در ساحات مینا نصب کرده اند که آن منطقه را خیلی زیبا ساخته است، حجاج اعم از زن و مرد در آنجا جمع می شوند.



به گفته معلم صاحب، حاجیان روز هشتم از حرم به سوی مینا حرکت می کنند، این نظم ادای حج فرضی یک شکل زنجیری و تسلسل منطقی خود را در قبال دارد. 5 بار نماز خواندن در مینا سنت و حتمی است، طوریکه روز هشتم 4 نماز و روز نهم یک نماز خوانده می شود. در روز نهم از مینا به سوی عرفات و دوباره به خاطر سپری کردن شب در مزدلفه مناسک انجام می شود. در روز های دوم و سوم در مینا شیطان های صغیر، و کبیر مورد اصابت سنگ ها قرار می گیرند، در حین سه روز اقامت در مینا به حرم رفته و طواف فرضی آنجا انجام می گردد. در جمرات رسیدیم در عرض راه در ساحه ای توقف کرده ایم که محل ممنوعه است.

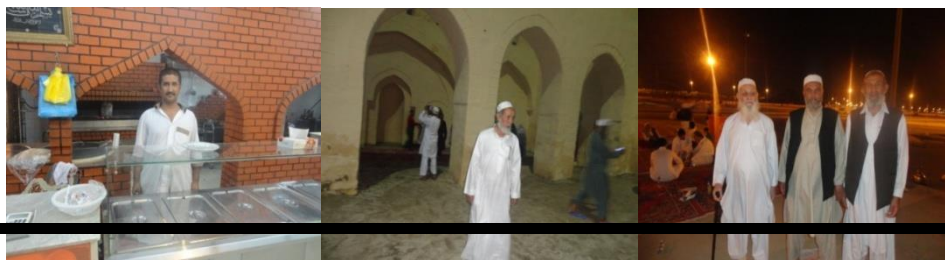
\*\*\*

## محل ممنوعه

در ساحه نزدیک میدان شیطان سه تعمیر بزرگ دارد که در جوار آن قبل از میلاد قریه ها و خانه های برای زنده گی وجود داشته است اما امروز از آن خبری نیست . معتصم بالله پادشاه دوره عباسیان 1300 سال قبل از امروز، مسجدی را بنا نهاده است که در انجا نماز شام را خواندیم . در زمان حیات پیامبر بزرگ اسلام این مسجد بنا نهاده شده و ریشه های درختان پیچ تاب خورده و قدیمی آن هنوز پا برجاست، عکس ها گرفتم . به گفته ی رهنمایم، چندین صد سال این مسجد زیر سیلاب و سرا زیر شدن سنگ ریزه ها بوده ، به حکمت خداوند "ج" نسبت تبرک بودنش هنوز پا برجاست. قدسیت این مسجد در آنست که در ابتدا در همین ساحه درخت ها 12 تن و بعدا 70 تن از اهالی مدینه منوره نزد پیامبر اسلام در این مسجد آمدند و پیامبر "ص" را به مدینه دعوت کردند که پس از آن بیعت صورت گرفته است .



اکنون این محلات پر جوش و خروش نیست زیرا زمانی حج فرضی نرسیده است، از آنجا به دامنه کوه جبل النور رفتیم چون خیلی تاریک شده بود نتوانستیم از آنجا عکس برداری کنم . حاجی معلم وعده بالا



شدن به ان را به بار ثانی محول ساخت . این کوه از آنجهت مهم است که غار حرا در آن موقعیت دارد زیرا حضرت محمد "ص" به عمر 40 سالگی در این غار ، به پیامبری مبعوث گشته است .

ناگفته نباید گذاشت که دشت عرفات به مشابیه یک شهر بزرگ در میان تپه ها و دامنه های کوه های نه چندان بلند سیاه رنگ قرار دارد. مردم آهسته و آهسته تا ختم سنگ زدن بر شیطانها پای پیاده راه می روند و اجرای آن بر پیر مردان و پیر زنان خیلی دشوار است به شمول لمس حجر الاسود. در فرجام باید عرض کنم که تمام این معلومات از اماکن مقدس راحاجی رزاق بر ایم داد که جا دارد از وی سپاسگذاری کنم.

## شهر پیامبر "ص"



سر انجام روز دهم می مسولین شرکت سلطان مدینه ما را به بیرون فرا خواندند و دربس تهیه شده سوار شدیم، ساعت، 7 بجه را بوقت سعودی نشان می داد بدون صرف چای صبح ساعت 8 بجه حرکت کردیم و پس از 6 ساعت سفر با طی کردن دشت و دامان های پر از خاک ، ریگ ها وکوه های سیاه رنگ ، ساعت 2 بجه به وقت سعودی بعد از سپری کردن 460 ک .م به فندق المختار السلام رسیدیم. به همان 3 رفیق قبلی ام دریک اتاق باریک با شرایط نه چندان بهتر از مکه مکرمه همراه شدیم . ساعت 3 بجه بعد از ظهر نماز پیشین را طور مستقلانه در همین اتاق ادا کردیم. بعد از آماده گی به حرم مدینه رسیدیم اما این شهر برایم حیرت انگیز است. تصویرم ازین شهر تصویری است که از اصحاب پیامبرو تعلیمات دینی ام در ذهن دارم . این شهر جایست که روزگاری پیامبر بزرگ اسلام فقط با شتر های گرسنه و تشنه از دوحلقه چای آب

استفاده نموده به این شهر هجرت کرده است ، چرا ؟ بخاطر رهای از اذیت کفار قدرتمند مکه.

کسیکه در مهاجرت حضرت محمد "ص" را تا مدینه همراهی کرد، حضرت ابوبکر صدیق "رض" بوده است و به مدت 8 روز به قول شیخ اته مراد به اینجا رسیده است که جمله همسفران با دو شتر بان شان 4 تن بودند. در راه کسی از ابوبکر صدیق پرسیده که این شخص کیست ابوبکر صدیق بخاطر حفظ سلامتی پیامبر "ص" می گوید : ایشان راهنما من هستند، تا جان پیامبر در امن باشد.

پیمودن دشت های سوزان تارسیدن به مدینه کار ساده نیست، هجرت پیامبر بخاطر جلوگیری از جنگ و خونریزی میان مردم سعودی و ساکنان مدینه "یثرب" صورت گرفته است که دسته دسته از آن بزرگوار اسلام "ص" دعوت کرده بودند .

نماز عصر را در آرامگاه پیامبر اسلام "ص" با 2 رکعت نفل بجای آوردم حاجی مجید نواسه کاکایم در باب سلام برای ما غذا شام و آب آشامیدنی آورده است انتظار ما ن را دارد، با او ملحق شدیم و به اتاق آمدیم . نماز شام و خفتن را نسبت تکلیف کرده در مسجد هتل ادا نمودم تا بتوانم برای بامداد فردا آماده باشم .

در کنار آرامگاه حضرت محمد "ص"، آرامگاه حضرت ابوبکر صدیق "رض" و آرامگاه حضرت عمر فاروق "رض" قرار دارد ، در بیرون آن بقیه اقارب و نزدیکان آن حضرت به شمول حضرت عایشه صدیقه رضی الله و عنها مدفون اند.

من تمامی این معلومات را از همدیگر و حجاج افغانی ، به ویژه حاجی زابلی بدست آوردم ، متأسفانه شرکت برایمان کدام راهنما ویا معلم را

توظیف نکرده است اما افغانهای مقیم مکه ومدینه راه بلد وراهنمای خوب عمره مان بودند.

نماز بامداد را 4 ونیم بجه صبح ادا کردیم اما پیش ازان 8 رکعت نفل و2 رکعت قرض قضایی فرضی بخاطر جبران نماز های تلف شده را خواندم. از جوار آرامگاه بهترین عالم ، حضرت ابوبکر صدیق "رض" وحضرت عمر فاروق " رض"بارثانی که خود را راحت احساس می کنم گذشته به سوی جنت البقیع روانه شدم تا قبرستان بزرگ آنجا را گردش کنم. در جناح راست آن امامان ، همسران وفرزندان حضرت محمد "ص" مدفون اند . از عربی پرسیدم پس قبر حضرت عثمان وحضرت علی در کجا موقعیت دارد وی جواب داد که حضرت عثمان "رض"در همین قبرستان بزرگ منحیث یک فرد عادی وحضرت علی در عراق مدفون است .

ورود خانمها در قبرستان ممنوع است و آنها از عقب پنجره ها قبرها را مشاهده می کنند، تمام قبرها از مادر حضرت عباس گرفته تا امام صادق، امام حسن وامام جعفر یکسان است ، قبرهای خاکی هستندو روی هرکدام دوسنگ مانده شده است . لوحه های توضیحی به چهار زبان فارسی، اردو ، انگلیسی وعربی است که کار را ساده می سازد ، مردم مدینه خوش بر خورد هستند و شهرشان بسیار پاک ونظیف است ، تعمیر های متوسط دارد در حالیکه هند ، پاکستان وافغانستان چنین پاکیزه گی را ندارد .

مادر فندق المختار السلام جاگزین شده ایم، همین روز بدون آگاهی قبلی پس از یک ساعت انتظار ، بس عمله ی ماکه دریور مصری دارد ما را مستقیما به کوه احد برد، جاییکه امیر حمزه"رض" با 70 تن یارانش در این تپه به شکل غیر انسانی به شهادت می رسیده است.

تجارت پیشه گان زیاد ، بشمول گدایان در اطراف کوه حلقه زده اند من با علاقه ی خاصی از آنها تصویر برداری کردم ، شوربختانه چارجر کامره ام از فعالیت ماند .

در مقابل مقبره عادی امیر حمزه و شماری از شهدا جنگ "معرکه " کوه احد در فاصله دورتر تپه خاکی رنگ وجود دارد به چشم می خورد، منازل زیاد اعمار شده و شاید بسیاری از زایران به این فکر نشوند که بدانند حکمت زیارت این کوه چه است و چرا؟ آن محل چه نام دارد؟

\*\*\*

### مسجد قبلتین

به مسجد قبلتین آمدیم و 2 رکعت نماز ادا کردیم ، فلسفه اش این است که حضرت محمد " ص " در اینجا تغیر نماز را از بیت المقدس بسوی مکه معظمه کرده است ، پس از آن به سبع المساجد رفتیم ، مسجد و جنگ خندق را در آنجا از دور نشانم دادند ، یک آبشار بالا کوه در نزدیکی اش قرار دارد . این مسجد را بخاطر اصحاب کرام اعمار کرده اند، نسبت کمبود وقت نماز ثواب را نتوانستیم در آنجا بخوانیم.

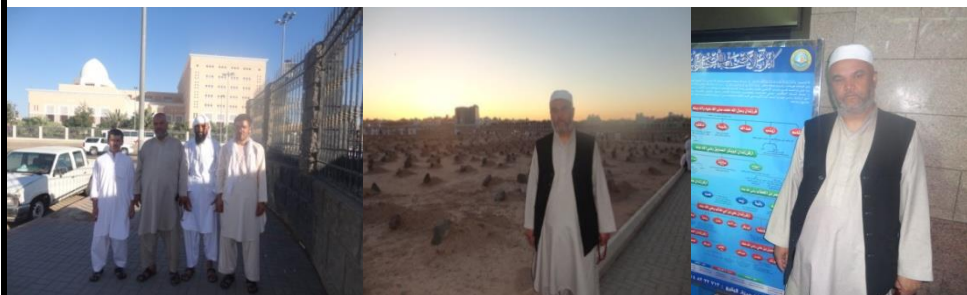
مسجد فتح و سلمان فارس قفل است ، وضوگرفتیم باید 2 رکعت نماز در مسجد قبا ادا نماییم ، جاییکه پیامبر "ص" اولین نماز را در آن مسجد خوانده است. ازین مسجد نیز تصویر های یاد گاری برداشتم.

مسجد جمعه برای هر زایری دیدنی است، محلی که پیامبر اولین نماز جمعه را در آن خوانده است اما اکنون مسدود است. در کنار هتل محل اقامت مان، حکومت امیر نشین مدینه قرار دارد و به امتداد آن مسجد حضرت بلال حبشی دیده می شود ، شخصی که آنرا بنام حضرت بلال می شناسند، دو فروشگاه در اینجا ساخته است آنهم برای تسهیلات



زایران. راننده ما را به مزرعه در ختان خرما آورده است، تا آنجا را نادیده نرویم . باید به محل اقامت مان برگردیم و آماده گی رفتن به روضه مبارک جهت ادای نماز ظهر را بگیریم .

\*\*\*



## خاطره بیاد ماندنی

در روز اقامت در مدینه منوره هیچکس تا حال به خوابم نیامده بود، پس از نماز ظهر در اتاق استراحت بودم خواهر بزرگم که 38 سال قبل از امروز به دیار ابدیت پیوسته بود ، به خوابم آمد و مرا بیدار ساخت. این زن که مشقات زیاد زنده گی در خانواده را با تلخی های روزگار چشیده بود نسبت نا ساز گاری زنده گی این جهان را وداع کرده بود. به ارواح همه بشمول پدرم که 28 سال قبل از امروز ومادرم که 8 سال قبل ازین رخت بر بسته بودند، دورکعت نماز در روضه نبی "ص" ادا کردم وبه روح پاک ومقدس شان دعا کردم تا قبول ومقبول در گاه ایزد متعال گردد در مسیر راه تبوک قرار داریم حاجیان حق رفتن را ندارند و شاید 200 ک م. از روضه مبارک فاصله دارد جنت البقیع قبرستان عمومی است که نسبت فاصله ی زیاد، دفن شهدای جنگ تبوک امکان پذیر نیست .



نمایی از تپه کوه احد در اطراف شهر مدینه منوره

## حادثه ی جالب

روز دوشنبه 12 می پس از ادای نماز بامداد و نوافل چندین رکعتی ، قصد برگشت رابه هتل داشتم که حادثه ی فراموش نشدنی اتفاق افتاد. یک باشنده مدینه منوره خواسته منزل نه چندان عصری خود را از سامان آلات تخلیه و سپس حریق کرد و خواستار بیمه از دولت سعودی است. حکومت بیدار وفعال مدینه همزمان 5 اطفاییه را جهت خاموشی آن موظف کرده است ، تماشاچیان زیاد عرب و عجم بدور ان جمع شده اند ، منظور از نگارش سطور فوق توانمندی حکومت سعودی را نشان می دهد.

آنچه مورد پسند و ستایش است اینست که در هر دو حرم ، پاکي و صفایي در مکه مکرمه و در مدینه منوره را بیشتر بنگله دیشی ها به دوش دارند به ویژه در اطراف و داخل روضه مبارک دایما مراعات نظافت بسیار جدی است. نسبت به مکه مکرمه در مدینه منوره صفایي و پاکي بهتری به چشم می خورد. موضوع دیگر اینکه ثروتمندان مدینه منوره روزانه پس از غذا ظهر در پاکت برنج و گوشت مرغ آماده را به حجاج

وزیرین تقسیم می کنند. هنگام ادای نماز بعد از آذان تمام دکان ها، هتل ها و رستوران ها در کوچه ها و بازار های سعودی بسته می شوند و سپس در وقفه ها باز می شوند ، مردم مصروف داد و گرفت و خرید و فروش اند.



فوتو یادگاري با حاجي شمس الله سمنگاني و خالد جان تخاري

بعد از آذان بادر نظر داشت تعداد نماز های فرضی قضایی خوانده می شود. در حرم شریف هر نماز یک صد هزار مرتبه ثواب و در مسجد بهترین عالم 50 هزار مرتبه ثواب برای هر زائر است و در بیت المقدس 25 هزار مرتبه ثواب دارد در یک روز 17 رکعت نماز فرضی خوانده می شود .



حکومت سعودی شاهی است ، دو برادر سلطان معاونین امیر هستند ، هر سال شرایط زنده گی را به مهاجران سخت و سخت تر می سازند ، به گفته ی مهاجران افغانستانی ، سال های اول هجرت به افغانها آسان بوده و به چندین سال اقامه داده است اما حالا باوجود دوستی نزدیک این سلطان با آمریکا ، تمدید اقامه را سالانه ساخته و قیمت آن را به 12000 ریال سعودی معادل 3200 دالرامریکایی بالا برده است .

13 می مانند گذشته به نماز بامداد و همان نوافل وضو و سپس نیت رفتن به مسجد قبا را داشتیم ، حاجی وحیدالله روحانی حدیثی را بیان کرد که به معلوماتم افزوده شد ترجمه ی حدیث چنین است :

"ادای 2 رکعت نماز در مسجد قبا و برگشتن از آن و ادای دو رکعت دیگر در مسجد نبوی خود یک عمره مقبول و کامل حساب می گردد " خیمه های متوسط فراوان زیبایی را از طرف شب دیدنی ساخته و خیمه های بزرگ صحن روضه ی مبارک به یک سوچ بسته و باز می شوند. گفتنی است که هر کدام این خیمه ها سه صد هزار دالر قیمت دارد.



فوتو با حاجی عبدالرحمن تخاري نماینده شرکت در مدینه منوره

14 می بر همان منوال گذشته نوافل و قضایای ها را ادا کردیم، یک ساعت تا صبحدم مصروف عبادت بودیم و پس از الوداع با بهترین عالم و ارسال سلام از جانب فرزندان، اقارب و دوستان به آن حضرت ، قرار بود که ساعت 8 بجه به مکه مکرمه باز گردیم.



عکس با حاجی مجید خرم نواسه کاکایم و حسین جان پسر خاله اش

### میقات شهر مساجد تاریخی

دریوری مصری، ما را 9 حرکت و پس از تلاشهای صادقانه حاجی عبدالرحمن تخاری و فرزند ارشد شان خالد جان سیتهای خوب به افغانها تخصیص داده شد، نیت سفر را به مکه مکرمه بسته کردیم . حاجی عبدالرحمن تخاری نماینده شرکت سلطان مدینه در مدینه منوره در همین روز جهت ترتیب و تنظیم حرکت دوباره مان بسوی مکه مکرمه اقدامات عملی را تهیه کرده است . در میقات احرام بستن را آغاز نموده، دو رکعت نماز ادا کردیم و دوباره با گذشت از همان دشت ها و دامان های خشک



طواف صفا و مروه صورت گرفت و شام به صرف غذا مهمان حاجی نصرت شدم رفتن به اتاق اش بخاطر استماع اخبار جهت روشن شدن نتایج انتخابات ریاست جمهوری بود که از آن نگران بودم و شام دوباره به استقامت خود آمدم حاجی طوره و استاد فرهمند احوال گیرم گشت و آقای پوپل در هند بسر می برد ، در مجموع استقبال گرم استاد فرهمند، حاجی رازق ، حاجی قطب الدین، حاجی کا کا رحیم، حاجی پوپل حاجی مجید خرم، حاجی شمس الله سمنگانی حاجی نصرت الله ، حاجی متین و حاجی دلاور با هدایای شان از یادم نخواهد رفت. این گونه وحدت و مهمان نوازی سمنگانی های مقیم سعودی را تا دم مرگ فراموش نخواهم کرد. آنها همیشه نان ، کباب، پلو ، سبزیجات و میوه جات را به اندازه خوراک 10 نفر در حالیکه در اتاق 4 تن بودیم با خود می آوردند در یک عروسی فاریابی ها و یک شیرینی خوری سمنگانی ها در شهر های طایف و مکه مکرمه دعوتم کردند که در محفل دومی به تعداد 100 تن حضور داشت اینها مرا تشویق کردند تا در انتخابات دور سوم پارلمانی خود را کاندید نمایم چیزی را گفتند که من در دل داشتم ایشان اظهار کردند که با تمام امکانات مادی و معنوی از من حمایت خواهند کرد.

سمنگانی های مقیم سعودی مردمان زحمتکش ، شجاع، دلسوز و متحد اند و همه ساله خدمتگذار حاجیان کشورشان هستند من جزوه های رهنمود حج را با خودم داشتم و شبانه آنرا مطالعه نموده و به اساس آن

عمل می کردم ، اگر مشکلی پیدا می کردم ، از حاجی زابلی واگر مشکوک می ماندم از استاد فرهمند می پرسیدم .

زنده گی حاجی نصرت و دوستانش خیلی دشوار است ، دستمزد شان حلال ، این فرزندان اصیل سمنگان شب و روز در گرما و شرایط سخت کار می کنند ، وقت خواب و استراحت منظم ندارند ، رخصتی ندارند و شب و روز در کار بخاطر آسوده گی خانواده های شان هستند ، تلاش می کنند تا کفیل "صاحبکار" شان را همیشه خوشحال نگهدارند .

وقفه کاری شان در فاصله میان نماز ها است ، نا آرام اند ولی ترجیح می دهند علاوه بر مسکن و خوراک رایگان ماهانه 2000 ریال معادل 500 دالر امریکایی را بدست بیاورند تا به خانواده خود در افغانستان بفرستند حاجی اکه بای حسنی از اقارب مان سه فرزنداش در سعودی مصروف کاروبار است ، این مرد چون فراز و نشیب های زنده گی را زیاد چشیده سعی می کند در قضایای مربوط قومی عاقلانه برخورد کند .

### خلاصه سفر عمره در طی دو هفته

- 1- 4 بار احرام بستم از کابل ، از مسجد تنعیم دو بار و بار ر اخیر از ذوالحلیفه میقات مسیر راه مدینه منوره
- 2- 4 بار در مکه مکرمه .
- 3 - دو نماز جمعه را در داخل حرم شریف در مکه مکرمه در عقب امام بزرگوار حرم شریف ادا کردم که موصوف در یک جماعت پس هنگام قرایت گریه کرد و من نیز گریستم .
- 4 - 4 بار به لباس عادی طواف نفلی را اجرا کردم با تمام واجبات و ترتیبات آن در مقام ابراهیم .

5 - از جایها و اماکن مقدس تاریخی ، مذهبی در مکه مکرمه ، طایف شریف و مدینه منوره بازدید داشتم به رسم و رواج و تاریخ سعودی ها به ویژه در سلطنت ترکان عثمانی و روش آنها به افغانها ، معلومات کامل به شمول تجارت و کسب و کار شان بدست آوردم .

\*\*\*

### دلهره ها

15 می چندان خوب نگذشت، پای دردی شدید و نتایج منفی انتخابات کشاندن آن به دور دوم خلاف آرزو و کشته شدن 205 تن از کارگران معدن ذغال سنگ در ترکیه و صدمات روحی به 800 تن باعث نگرانی ام بودند و همچنان به زمین فرورفتن یک قریه در ارگوی بدخشان، سیلاب های متواتر و خساره مند در جوزجان، بلخ ، بغلان و سمنگان مسدود شدن شاهراه تنگی تاشقرغان و از بین رفتن منزل 100 ساله پدری ام در قریه حبش ولسوالی خرم و سارباغ درد های جدیدم در سعودی شدند. زدودن این همه غمها از دلم یک راه داشت، باید برای شان دعا کنم آنهم در حرم مقدس پروردگار یکتا و توانا.

روز جمعه دقیقه شماری کردم تا نماز بامداد فرا برسد. ساعت 3 صبح برخاسته دست به دعا به سوی رب العالمین بلند کردم و برای کشور ویرانه ام در میان گریه هایم دعا کردم.

\*\*\*

### پیرزن گمشده

در حین آماده گی برای نماز بامداد بودم که پیر زنی از ولایت پروان را پولیس حرم شریف نزد آمد و به انگلیسی گفت که این خانم محرم خود



را گم کرده است کمکش کنید ! ما برای آن پیره زن چه کمکی می توانستیم انجام دهیم؟

از آن ضعیفه آدرس و شماره تماس جویا شدیم . او یک شماره تماس سعودی را برایم داد اما هرچه به این شماره تماس گرفتم نتیجه یی را در پی نداشتم در حالیکه طواف نفلی را نیت داشتم نتوانستم . این پیره زن مرا محکم گرفته رها نمی کند. موصوفه می گوید: پسرمکم کن تا کمشده ام رادرمیان در یای خروشان از مردم باز یابم و در سیمایش دلواپسی موج می زد، اورا به هتل اش رساندم دعایش را گرفتم ودوباره به اتاقم آمدم .

### به این نتیجه رسیدم که :

- 1- آمدن افراد بیسواد به حج مشکلات بیشتر دارد.
  - 2- آمدن افراد کهن سال که توان رفتن به راه را ندارند نیز دشواریهای خود را دارد .
  - 3- ندانستن عربی وانگلیسی مشکل جدی تر است .
  - 4- آوردن اطفال نا بالغ کمتر از 18 ساله یک مزاحمت به دیگران محسوب می شود.
- اما چیغ وفریاد آنها در هنگام نماز کار غیر اخلاقی وتخریش ذهنیت دیگران است.
- 16 می چون نماز با مداد با انتظاری ونوافل انجام شد سرانجام طواف نفلی با 2 رکعت نماز واجب در مقام ابراهیم "ع" وچند رکعت نفل قضایی اولی برای جبران نماز های فوت شده را ادا کردم و بعد از آن به دلیل شدت گر می هوا به اتاقم برگشتم تاهنوز موسم حج فرضی نرسیده

است، از دحام زایران هر ساعت بیشتر و بیشتر می شود. در جریان دو هفته تنها توانستم 2 بار سنگ حجر الاسود را ببوسم 2 بار از نزدیک مقام ابراهیم ع را به چشمان خود مشاهده کنم و یکبار در مقام حضرت اسماعیل دو رکعت نماز ادا کردم که در این ساحه کوچک داخل و خارج شدن در ازدحام سعی فراوان می طلبد آنچه سبب خوشحالیم گردید این بود که با وجود همه این ازدحام طاقت فرسا، حاجیان وزایران اعم از زن و مرد خیلی ها بردبار و خونسرد، با تحمل و حوصله مند بودند. دلیلش هم اینست که آماده گی لازم از ناحیه تعقیب دروس دینی را قبلا فرا گرفته اند و یا به راهنمایی معلم خاص شان عمل می کنند و یا هم در تمام ساحات گروهی عمل می کنند جان مطلب اینکه ، حج کردن کار ساده نیست چه فرضی باشد و چه عمره احضارات در جه اول فزیک، معنوی و بدنی را ایجاب می کند .

\*\*\*

### سفر برگشت

18 می با اجرای طواف نفلی پس از نماز صبح ساعت 10 بجه به مسجد عمره رفته احرام بسته، طواف زمزم، صفا و مروه و سر تراشیدن تازه و سپس عصر را در جماعت ادا کردن قوت بدنی ام راکم گرفته بود. نسبت وزن زیاد پاهایم آبله زد ، در نماز مغرب و عشا ازان خون جاری شد، خود را سخت عذاب دادم تا عذاب قبرم آسان گردد و آتش دوزخ از من دور گردد درین سفر زیاد سعی داشتم تا گناهایم پاک شود و وجودم از امراض و درد رهایی یابد و به آب زمزم پا و روی و سر خود را در همین روز بدرستی شستم . شام زمانیکه جهت ادای نماز عشا بسوی

جماعت در حرم شریف بودم در جناح راست سرک اول، لوحه ای بچشمم خورد که در آن نوشته شده بود: "گروپ ساختمانهای بن لادن" از این معلوم می گردد که لادن ها افراد ثروتمند جامعه سعودی هستند نماز المغرب والعشا را نسبت آبله های هردو کف پا به مشکل در مسجد حرم شریف ادا کرده و خود را عاجل به اتاق رساندم تا صحت یاب شوم. نماز بامداد و ظهر را که آخرین نماز ها در مکه مکرمه است ادا کرده، روانه بی جده شریف شدیم والوداع را انجام دادیم 18 می نماز بامداد را در مقام ابراهیم ع ادا خواهیم نمود اگر حیات باقی باشد دیگر توان طواف را نداشتم، پس از ادای نماز بامداد به نزدیک مقام ابراهیم "ع" رو برو ایستاد شدم و آخرین دعا را به خاطر هدایت و اصلاح، گزینش راه های بهتر زنده گی اسلامی، خیر و فلاح کشور، صحت و سلامتی خانواده، اقارب و دوستان به ارواح پاک شهدا اسلام و میهن نموده الوداع گفتم و به اتاق آمدم تا ساعت 2 بجه انتظار بودیم که حرکت بسوی جده شریف صورت گیرد و نماز ظهر را که در 15 روز در مسجد هتل نخوانده بودم از مجبوریت ادا نموده و عزم سفر را بسوی جده شریف بستم

\*\*\*



فوتوها از آمد

وبرگشت در میدان هوایی بین المللی جدّه

### سرزمین سعودی

سرزمین سعودی خشک وبدون اشجار مثمر وغير مثمر است اطراف مکه مکرمه بشمول داخل محوطه و افتیده گی های مربوط آن ، در حرم شریف سرسبزی طبیعی دیده نمی شود همه چیز بدست انسانها ومصنوعی با در نظر داشت پیشرفت های علم وتکنالوژی اعمار گردیده است در کار های ساختمانی شهر های سعودی ترکان دست بلندی دارند، در هوتلی که اتاق داریم اطراف آن مانند ارتفاعات بلند خیرخانه، کوه تلویزیون، خوشحال خان وعقب پولی تخنیک وسمت لوگر کابل است که منازل در جواروفراز کوهها وتپه ها اعمار شده ودر ساحات کابل کمی درختان وجود دارد ودر اینجا کدام درختی دیده نمی شود ساعت 5 و بیست به جدّه رسیدیم در دو بس در حالیکه تعدادمان زیاد نبود ، مدت انتظاری مان در میدان هوایی بین المللی جدّه جهت صرف غذا عصرانه به جستجوی محل غذا خوری در پی دریافت رستوران و هوتل کمی زمان گرفت اما راهنمایی پیدا کردم، جوانی از قریه اولم ولسوالی اقچه ولایت جوزجان بود، او مرا به رستوران مطاعم الصبان کار می کرد .

نماینده آریانا در جده شریف آقای سید سرور اشرفی به خبر گیری مان آدمگر طور شاید و باید برمسولین ومامورین میدان تاثیر گذار نبود. مسوولان در میدان جده به حرف هایش گوش نمی دادند، مسولین گمرک، پولیس های موظف میدان جده ، افراد خیلی مغرور، تن پرور وکار شکن به نظر می آیند که به مراجعین وزایرین کعبه شریف نیز احترام ندارند آنها برخورد دوگانه نسبت به اتباع خارجی دارند طوریکه در اوراق راجستر به اصطلاح بی معنی شان هنگام تاپه زدن به پاسپورت ، در وقت خروج از محوطه گمرک وانتظار به افغانها حتی توهین امیز برخورد می کنند، پاسپورت حاجی وحید الله ننگرهای افغانی تبار به دلیل پاکستانی بودنش آسانتر از دید مسولان میدان گذشت ومن خیلی منتظر ماندم.

پس از آنکه یک گروپ پاکستانی ها اجازه دخول را یافتند مرا نیز رخصت دادند، من تکت دو طرفه ی آریانا داشتم اما به دلیل عوارض تخنیکی هواپیمای آریانا ، برگشت مان بوسیله صافی ایرلند ساعت 12 بجه بوقت سعودی به سوی کابل صورت گرفت وسر انجام 8 صبح دوشنبه 19 می به کابل رسیدیم.

\*\*\*

## احساس غربت در کابل



فوتو با دگروال یار محمد انوري، دگرمن عزیز خان، برید مل نجیب الله و احمد ولید خرم

به استقبال آدم غریب مانند مشایعت کردن من بدون نجیب الله راننده ام واحمد ولید خرم پسر م کسی دیگری نیامد که خیلی ها برایم مایوس کننده بود گویا کدام خویش و قوم در کابل نداشته باشم ، خیلی هاخسته شدم . آبله های پاهایم هنوز تازه درد داشتند و من باید استراحت می کردم. پسر و دریورم را بخاطر اکمال جای نماز ها و تسبیح به بازار فرستادم. عصر آن روز دگرمن محمد عزیز ودگروال انوری و صدام جان پسر ارشد شان به دیدارم آمدند چند دقیقه را خوب سپری کردیم و پس از آنها ، داکتر روح الله همراه فامیل شان ، مدیر خیر الدین کسانی بودند که به دیدارم آمدند همان روز ساعت 10 بجه شب به همراهی عبدالواحد کلکانی مرد کهن سال مشهور و عیار سمنگان و صبور جان محصل روانه بی سمنگان شدم و در منزل داکتر انور نعمتی اقامت گزیدم . رفت و آمد مهمانان ادامه یافت.

هر چند هوا گرم بود اما روانه ی دره زیبا ی وسر سبز خرم و سارباغ شدم که آغاز از دره زندان تا قریه کلور خرم از سرسبزی وشادابی هایش

کاسته شده است . سیلاب های متواتر خرمی اش را به خزان مبدل ساخته، کمر دهقان هایش خمیده ، ساکنان اش پژمرده، باغها حاصل خیز و درختان مثمر و میوه دارش زیر سنگها ، سنگچل ها و لایقه خوابیده است. پریشانی و حالات اضطرار فوق العاده در دره حکمفرماست، مردم را برای اولین بار چنین پریشان حال دیدم.

آنها هست و بود شان را از دست داده اند وضعیت صحتی شان نیز خوب به نظر نمی رسد ، سرک های آماده به اسفالت را اکنون سنگها و خاک ها پوشانده است .



فوتو از الحاج شیخ آته مراد، معراج الدین بای و الحاج ظاهر بای

تاجری نبودم که به آنها کمک مالی و مادی می کردم . حکومت، رسانه ها این همه خرابیهای ناشی از سیلاب زده گی را بدرستی نشر نکرده و به گوش حکومت مرکزی و ریاست جمهوری نرسانده اند و بخصوص خیر الله انوش والی ولایت سمنگان نسبت تظاهرات ساز مان داده شده بوسیله اصف سناتور به تمام مردم دره بالا عقده مند است. در حالیکه محل را از نزدیک دیده اما کمک های لازم و مواظبت خوبی از این بیجا شده گان نداشته است نمرات رهایشی وعده کرده را در شهر ایبک تا اکنون توزیع نکرده و دلسوزی شاید و باید را انجام نداده است زیرکانه

از انجام کمک های عملی به متضررین سمنگان از ناحیه سرازیر شدن سیلاب ها ظفره رفته است آب اشامیدنی اهالی به مدت کوتاه از شهر کم آب ایبک خواسته شده و راه های مواصلاتی همه مسدود شده اند سپاسگذارم از مردم رنج دیده این قراکه با وجود این همه غم و غصه و مصروفیت های فراوان شان به دیدنم آمدند. ساعت ها در پای ملاقات هم نشستیم، آنها را روز پنجشنبه به خیراتیکه ابتدا سی سپاره قران عظیم شان را قاریان مساجد حبش و ده نو ختم کردند به صرف غذا چاشت اهالی خرم و نماینده گان سارباغ را دعوت کردم و تا حد امکان اب زمزم و خرما سعودی و جای نماز ها و تسبیح ها را برایشان توزیع نمودم در فاصله های بیکاری روز اول از پل حبش تا ختم شهر نو و بعدا تا کلور بالا و در عرض راه از مناطق مختلف سارباغ دیدن کردم و احساس همدردی و تسلیت خود را نسبت حادثه ی کشنده ی طبیعی ابراز داشتم و این سبب خوشحالی مردم شد. مردم می گفتند که در صد سال گذشته بما چنین مصیبت رخ نداده است .



نشست در منزل مرحوم مامور اکبر خان در کوچه قاضیان شهر ایبک ولایت سمنگان

منزل پدری ام با سه اتاق در طبقه دوم با تمام امکانات و تسهیلات اش و اجناس و لوازم وابسته به برادرم عبدالحمید بای و سایر برادران با در



و در وازه های 50 ساله قدیمی و انتیک که در حال حاضر نیز مورد پسند قرار داشت بشمول تاک ها و درختان مثمر و اطاق های مستحکم و پایدار به خاک یکسان شده بود به حال واحوال همه و به خصوص همسایگان و برادرم خیلی ها دلم سوخت اما بدون اینکه معاش پرچ ثورم را انجا صدقه و ختم کردم ، دیگر امکانات کمک مادی نداشتم دیگر ازان مهمانخانه های بزرگ و باز ، کلکین و دروازه های ساخت استا شاکر غازی مردی به مفکوره الحاج حیت مراد خان قبله گاه مرحوم، آثار و علایمی باقی نمانده و همه به خاک هموار گشته است گویا اینجا دهکده ی اصلا وجود نداشته است.



تهیه غذای ختم قران شریف با دعایه الحاج جمعه خان بای مامای بزرگ

در حالیکه 7 حوت 1392 آنجا بودم، خرسند و خوشحال عروسی قاسیم جان را با اجرای پروگرام بزکشی در میدان لوگه بر گذار کرده بودیم، فقط در جریان دوماه چنین تغییرات آنهم تغییرات اساسی وریشه کن. درختان نوبه ثمر رسیده، تاک های پرمیوه و آفت رسیده را تحمل دید نداشتم در 2 شب سپری کرده در خانه مامایم الحاج

جمعه خان بای که قرارگاه مان بود، زیرا قرار گاه پدری را از دست داده بودیم و برادرم منحیث مهاجر و پرنده که توانسته برخی اجناس و لوازم خود را از سرقت سیلاب بدست آورد در منزل پسر خاله اش شیر محمد خان زنده گی دارد و جای برای زیستن پیدا نکرده و اگر دریافت نماید نرخ تپه ها بالا رفته و توان خرید آنرا ندارد ، بدین ملحوظ پس از صرف غذا شام در منزل مامایم وادای نماز خفتن آنهم در منزل شان نسبت نبود برق به مسجد رفته نتوانستم، تلفونهای همراه شان اکثرا چارج ندارد اما راه مواصلاتی شان باز است، دوستان علاقه مند صحبت های بیشتر اند ولی ما زود می خوابیم زیرا از یکطرف خسته گی راه کابل خرم به دریوری استاد نجیب الله و ابله های موجود دریاها از عبادت در مکه مکرمه و مدینه منوره و خستگی از ناحیه گرمی سعودی و وارد شدن به محیط سرد کابل و سمنگان تاثیر گذار بر روح و روانم بود .



نمایی از خرابی های ناشی از سرازیر شدن سیلاب های بی سابقه در دره خرم و ساریاغ ولایت سمنگان

## نتایج انتخابات در خرم و سارباغ

در این مدت نتایج انتخابات شورای ولایتی در حال نهایی شدن بود و آواز برنده شدن سید صفی الله هاشمی با اخذ 4950 رای در ردیف مرد شماره 5 امده است و مردم خرم و خرمیان بلخ و شهر ایبک که الگو خوب وحدت شده بودند خیلی ها خوشحال و نتایج کار خود را لمس می کردند چنین کار در گذشته ده سال چرا صورت نگرفت زیرا در هر کار نیک که خدا بخواهد یک چیز سبب و یک کس پیدا می شود که راهگشایی می دارد این بار ستاره اقبال در وجود ایشان خالد منحیث یک شخصیت ملی ، مبارز و جوان رشید را به خرمیان که همچو ستاره در آسمان شان درخشید نصیب شان گشت. در حالیکه ده سال قبل این ریش سفیدان نبودند و ابتکار جمع اوری پول را نداشتند چرا در ده سال نه کدام وکیل در شورای ولایتی و چه رسد که به ولسی جرگه بالا کشند آقای هاشمی با وجودیکه عضو شورای مرکزی حزب جنبش ملی اسلامی بوده و روابط تنگاتنگ با قوماندان احمد خان داشت ولی در دو دوره قبلی با اخذ 1300 و 1100 رای برنده نشد اما این بار اتحاد قوم خودش برهبری سالمانه ایشان خالد که خداوند عمر دراز برایش اعطا نماید وی را به ارزویش رسانید تا با شد که خدمات خوبی را به موکلین اش انجام دهد در این روز پنجشنبه والده هاشمی به رحمت حق پیوست یکجا با حسام الدین غازی مردی، حاجی شراف الدین قریدار، مامایم حاجی جمعه خان بای و تنی چندی که اسمای شان از یادم رفته نزد وی به فاتحه رفتم و دعاییه را در حالیکه حاجی میر بسم الله خان حضور داشت خواندیم و تا اخیر دره زیبا خرم رفته به محل اصلی دوباره برگشتیم .

از خرم تا کابل

در برگشت بسوی کابل به کدام مشکل عمده روبرو نشدیم از چاریکار گذشته در قریه ده مسکن فرید احمد پروانی ما را به غذا چاشت دعوت نمود برخی همسایگان و الحاج نصرالدین همدرد از مکروریان به خانه آمدند و شنبه با خرید کیک و کله تازہ همکاران را در قوماندانی تعلیم و تربیه از اب زمزم، خرما و قسما جای نماز ها و تسبیح مستفید ساخته و فردای آن به احترام جنرال محمد امین نصیب رییس امور عقیدتی و فرهنگی رفته مقدار زمزم و خرما را به دفتر اش سپردم این مرد با همت و مواظب برایم زنگ کشید و قدم حج را مبارک گفت و پیروزیهای بیشترم را از بارگاه خداوند (ج) خواهان گشت .

فردا آن دوشنبه 5 جوزا از آب زمزم و خرما سعودی مکتب عقیدتی و فرهنگی رانیز مستفید ساخته و با رهبری ان دگروال احمد شاه آریوی، دگرمن عبدالمتین و دگرمن نصرت الله ظهیر و استادان و مداومین مربوط باز دید و خود را مشترکا شامل جلسه وسیع و مشترک تمام بخشهای مربوط قوماندانی تعلیم و تربیه و دکتورین در چوکات معاونیت تعلیمات پرسونل تحت رهبری الحاج دگرجنرال باز محمد جوهری معاون وزیر دفاع ملی در امور تعلیمات و پرسونل ساختم از ساعت 7 تا 9 ونیم انتظار تشریف آوری جناب شان شدیم در حالیکه ساعت 6 بجه به آن مرکز رسیدیم صحبت ها آغاز گشت تمام قوماندانان مکاتب مسلکی بشمول برید جنرال پتیانی قوماندان مرکز تعلیمی نظامی کابل تمام مشکلات و چالش های موجود را بدرستی، واضح، علنی و بدون هراس با رعایت اصل دموکراسی در حالیکه سخنران اصلی قوماندان تعلیم و تربیه و دکتورین ستردرستیز تورنجنرال محمد حبیب حصارى بود بیان داشتند، که صحبت کاری، همه جانبه، کوتاه، رهنمود دهنده و دلسوزانه آقای جوهری زمینه ساز جرات بیشتر به تمام قوماندانان گشت و تا ساعت 12 بجه ادامه یافت، در حالیکه در پلان نبودم

مفکوره و طرح خود را به قوماندان تعلیم و تربیه و دکتورین پیشکش نمودم که آقای جوهری به صحبت ام موافق گشت که متن سخن رانی و پیامد های بعدی آن در اثر تحت عنوان برخی مسایل مبرم حیاتی در افغانستان و جهان که بیشترین موارد آن در خصوص اردو میباشد در صورت باقی حیات بچاپ خواهد رسید.

والله ولی التوفیق

لحظه ی با خواننده

## مختصری از زنده گی محترم الحاج عبدالواحد خرم سمنگانی



تنها نام و شخصیت معنوی بگونه ی درخشان در اوراق پریشان تاریخ، گذشته را به آینده گان بازگو می کند و باقی هستی آدمی در هر سطحی که باشد محکوم به نیستی بوده و مدفون غبار روزگاران خواهد شد. من

باورمندم، این بزرگمرد از شمار آنانی است، که صادقانه عمر عزیزش را در راستای ادای خدمت در زمینه ی روشنگری تا این لحظه ی از زنده گی سپری نموده و آینده را با گام های استواری به سوی روشنایی و بیدار سازی برخورد داشت. دهکده حبش، شهرستان خرم و سارباغ ولایت سمنگان در ماه جدی سال 1337 خورشیدی، شاهد کودکی بود که برای خیر مقدمش، مدتهای طولانی، آرامش و خواب نیمه شب از چشم پدر و مادرش رخت بر بسته بود. آن دو پدر و مادر روز نشاد احساس کمبودی پسری را در زنده گی داشتند. والد گرامی با اعتقاد آهنین که به پروردگارش داشته، به این تصمیم دلش قرار می گیرد که باید به بیت الله شریف سفر نموده، ضمن ادای مناسک حج از پروردگارش بخواهد تا به وی پسری عطا کند که در قید حیات بماند.

روز سفر فرا رسید و این والد گرامی روانه بیت الله الحرام شد دقیقاً زمانی که نگاهی پرده مقدس کعبه ی شریف صورت مگگیرد، باشکر سجده به جای آور، آنگاهی که پیشانی اش را از ساخت مقدس کعبه بلند کرد از بس

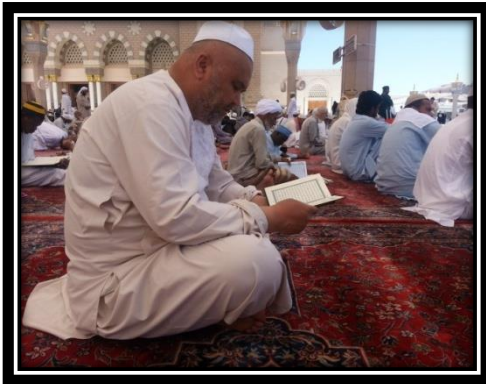
شوق، گریه گلومیش را گرفته بود و اشک هایش ناخود آگاه مثل قطرات داشت باران یکباره بدامانش، لباس سفید احرام فروغلطیدند.

آری!

اولین خواهش از کردگار بی نیازتولد پسر در خانواده بود. وقتی نزدیک تر شد و به جامه کعبه دست می کشید و به بهانه ی بوسیدن، لب هایش را به جامه کعبه شریف دوخته بود، بی اختیار گریه اش بلند و بلند تر می شد.

شاید گریه اش طولانی شده بود اما در میان گریه هایش احساس مهربانی و آرامش عجیبی، دلش را به وسعت بی کران

پیچید، آری! احساس قبول دعا براستی پروردگار بی نیاز خودش فرموده است: ای بنده ی من مرا از دل بخوان، تا ترا اجابت کنم، پاک و مهربان است پروردگار عالمیان.



در یک شب سرد سفید پوش، در

خانواده متدین و علم دوست ، کودکی چشم به جهان گشود که با آمدنش نه تنها آرامش بلکه ثمره ی دعا های تلخ گریه آلوده، خوشی های بی سابقه یی را با خودش آورده بود. نامش را عبدالواحد گذاشتند و آهسته آهسته عبد الواحد جان زمان را با دنیای کودکانه اش سپری می کرد. هر

چند پدرش با زنده گی روستائی و دهقانی خو گرفته بود اما برای فرزند برومندش خواب های طلائی دیده بود و همیشه در آغاز دعاها برای فرزندش دعای کرد:

"خدایا! پسرم و خانواده ام را از صالحان بگردان، چون تو تنها مستجاب الدعای!"

این والد گرامی، عبدالواحد را به سال 1342 خورشیدی که سن هفت سالگی را آغاز کرده بود، به مکتب متوسطه شهرستان خرم شامل کرد. آقای عبدالواحد خرم 9 سال تعلیمی را اول نمره صنف خود بود و همیشه دانشمند شدن و خدمت به مردم فقیر یگانه هدف اش. آقای خرم به سال 1352 خورشیدی تازه جوان شده بود که از متوسطه خرم فارغ شد، دیگر عبدالواحد آن کودک دیروزی نبود، دریافته بود که این سرزمین بارها خانه ویران شده است و همه اسرار این خاک غنی تاریخی برای عبدالواحد جوان در پرده ابهام فرو رفته بود و باید پرسش می یافت و برایش روشن می شد، اینجا بود که خرم تخلص کرد. آقای عبدالواحد با پایان رساندن دوره مکتب متوسطه خرم به رشته جیولوجی تفحص نفت و گاز و دیگر مواد مفیده جامد به تخنیکم نفت و گاز مزار شریف راه یافت و از صنف چهاردهم این انستیتوت در سال 1356 خورشیدی به درجه ی دوم فارغ گردید. اقتضای زمان، پای این جوان را به دانشکده سیاسی دانشگاه نظامی ارتش در مسلک پیاده کشانید و مدت سه سال مصروف تحصیل در نظام عسکری افغانستان شد، بعد ها زمینه تحصیل به عبدالواحد جوان جهت کسب تحصیلات عالی در اکادمی علوم بشری قوای مسلح روسیه مساعد شد و توانست بعد از سپری نمودن چهار سال از سال 1989-1992 تا درجه ماستری به موفقیت های زیادی نایل گردد.



موصوف با تقدیرنامه ها و مدرک ماستری دوباره به افغانستان بازگشت، و حسب لزوم دید نظام وقت که اکنون نظام طرفدار شوروی از بین رفته و استاد ربانی در راس نظام اسلامی قرار گرفته او را به حیث معاون تعلیم و تربیه فرقه (70) بندر حیرتان فرستادند و مدت چهار سال در شما افغانستان خدمت کرد.



درست در همین محدوده زمانی جنگهای فرقه ی چون آتش سرکش افغانستان را فرا گرفت و افغانستان وارد مرحله بدبختی و از هم پاشیدن نظام گردید. با به وجود آمدن فرقه های مذهبی اسلامی، افغانستان شاهد خونریزی های شد که هیچگاه تاریخ فراموش نخواهد کرد. بیشترین فرزندان رشید و فرزانه این مرز و بوم را به جرم دانستن و بیدار سازی مردم عذاب دیده از چور و چپاول وحشت زمان به پولیگون ها و پشت میله های زندان برده شدند و بعد به شهادت رسیدند. هنوز از آن سالها مدتها گذشته است اما درد و زخم های آن در دل کسانی که زنده مانده اند باقی است و از آن رنج می برند، از دست دادن فرزندان رشید و مسلمان و دانشمند

این سرزمین ضایعه بزرگی است که هیچگاه جبران نخواهد شد. آقای عبدالواحد خرم از شمار کسان بود که به جرم بیان اندیشه های آزادی، روشنگری و بیدار سازی همیشه تهدید و سبکدوش از وظیفه می شد، او می دانست که جرمش بیدار سازی است و جرمش همان سطور برجسته است که به قلمش برای بیدار سازی ملت رنج اش دیده نوشته است. دوره سیاه امین، کارمل و کرزی دوره ای بود که تاریخ به عنوان دوره ی انسان ستیزی، دانش ستیزی، از آن یاد می کند و آقای عبدالواحد خرم در شمار آنانی که از جور و ظلم می نوشتند در این زمامداری هارنج فراوان بیکاری، تحقیر، تهدید، شکنجه و زندان را متحمل گشت. با به قدرت رسیدن داکتر نجیب الله آقای عبدالواحد خرم از نفس راحت کشید و به زنده گی عادی برگشت. او از دوره جوانی به نوشتن و مطالعه عادت داشت، این روش برایش نوید بخش کتاب های مدونی بود تا باشد روزگاری حقیقت و شخصیت معنوی او را خواننده گان در اوراق کتب هایش در یابند. هر چند دوره مجاهدین هم خالی از کشتار و ویرانی هان بود اما ویران شدن آخرین پایه های نظام، سیستم و قانون در کشور نمی توانست تصویری آبادی و روزگاری سبز از آینده افغانستان بدست بدهد. هنوز زنده گی آقای عبدالواحد خرم سامان نیافته بود که وحشت و ویرانی شدید تر از گذشته زیر نام طالب و تجاوز همسایه های نا اهل چون پاکستان، فضای نیمه تاریک افغانستان را تاریکتر کرد به آتش کشیدن شهر ها، ویرانی، کشتار بی رحمانه از سوی طالبان سبب شد تا کسانی که توانایی پای کشیدن را از این سرزمین داشتند، مهاجر شدند. هر کس به هر سوی ممکن مهاجر شد، این مهاجرت تنها نجات جان را خود داشت و اکثریت قاطع مردم افغانستان تماشاگر هستی شان در آتش طالب بودند در نهایت چه می توانستند انجام دهند؟ یک راه وجود داشت. مهاجرت به کشور و سرزمین های که هزاران

رنج و تکلیف را با خود داشت، جدا از اینکه مردم آن کشورها با چه دیدی به سوی یک مهاجر افغان اعم از مرد و زن و کودک می نگریستند مهاجرت آقای عبدالواحد خرم با فامیل به ازبکستان، تاشکند و ترمز او را وادار ساخت تا برای دریافت یک لقمه نان و برای معاش دنبال روزی برود. او در دیار غربت در پهلوی شغل مقدس معلمی برای کودکان مهاجر افغانستانی، به دکانداری پرداخت و از این طریق توانست روزهای زیادی را به امید بازگشت به کشورش سپری کند آقای عبدالواحد خرم در دوره ی سیاه طالبان به تاشکند و ترمز مهاجر گشت. اما روح آقای خرم با غربت آرام نگرفت و به مطالعات و تحقیقات اش به شمول نگارش رساله داکتری اش تحت عنوان "نقش اردو در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور" پرداخت، دوری از سرزمین اصلی اش افغانستان و دیار غربت برایش آموخت که با قبول سختی ها، باید تا حد ممکن از دانش، فن و تجارب ممکن استفاده نماید.



## آینده ی که هنوز معلوم نبود چه خواهد شد؟

آقای عبدالواحد خرم در شهر ترمز آرام نه نشست، افغانستانی های مهاجر در آن غربت را دور همه جمع کرد و این سعی و تلاش سبب شد تا شورای

مهاجران افغانستان در آن سرزمین شکل بگیرد. آقای خرم در مدت مهاجرت در شهر ترمز ریاست شورای مهاجران افغانستان را به عهده داشت. هدف از ایجاد این شورا رسیده گی به مشکلات مهاجران وحدت و رسیده گی از حال و احوال مهاجران بود اما استخبارات شهر ترمز به خاطر فعالیت

شورا که هرچند هدف سیاسی را در قبال نداشت وی را بسیار اذیت کرده و اجبارا به شهر تاشکند تبعید کردند.

اینکه در افغانستان چه گذشت، اوراق تاریخ شاهد جاری شدن جوی های خون و ویرانه های است که تا هنوز زخم هایش در صورت این کشور التیام نیافته است!

بشترین مطالعات جناب آقای خرم در زمینه تاریخ و سیاست درین مدت صورت گرفته است. آقای خرم دوباره در 1380 بعد از مهاجرت طولانی به نظام بازگشت به این هدف که حتی اگر بتواند چرخه ی کوچک از نظام نوپای موجود را به حرکت در آورد اما .....!

سال 1380 خورشیدی با سپری شدن دوره سیاه طالبان، و حضور بیشترین کشور های قدرتمند جهان در افغانستان، نظام و قانون ساخته شد. اینجا بود که به مهاجران مژده رسیدن به خاک بوسی کشورشان داده شد و از هر گوشه جهان که مهاجر بودند، کسانی به این کشور و عشق به وطن بازگشتند و کسانی در آنجا مانده گار شدند و کسانی هم در جدای از کشورشان به دیار ابدیت پیوستند.

با سامان یافتن دوباره و امنیت نسبی در کشور جناب دکتور عبدالواحد خرم، وارد نظام شد، نظام و آرامی نسبی که بعد از سیاه ترین دوران در این سرزمین بوجود آمده بود. جناب عبدالواحد خرم همیشه جریانهای تلخ زنده گی را چه در بیرون و چه در داخل کشور یاد داشت کرده بود.

آرزو های دیرینه اش که تالیف کتاب بود فرا رسید و از سال 1984 – 2014 یازده اثر تالیف و ترجمه نموده و اثر آموزه های سفر عمره 12 همین دستاورد موصوف تلقی می گردد.

این نویسنده گران ارج جناب الحاج برید جنرال ارکان حرب عبدالواحد خرم با در نظر داشت طبع آثار ارزشمندش به عضویت اکادمی علوم کشور تاجیکستان پذیرفته شد و از آنجا به عنوان متخصص در رشته های حقوق و علوم تاریخ از دانشگاه پیداکوژی تاجیکستان ، به افغانستان معرفی گردید. از این نویسنده ارجمند، در زمان های تلخ و تاریک تا مهاجرت، بیشتر از یک هزار مقاله علمی به زبانهای انگلیسی، روسی و فارسی و تاجیکی به چاپ رسیده است و به جناب دکتور عبدالواحد خرم به خاطر زحمات و نوشته های ارزشمندش که زیور چاپ یافته اند زمینه های سفر های دولتی و شخصی به اروپا، آفریقا و امریکا مساعد شده است از این همه سفر ها با دست پر و تقدیر نامه های علمی به کشورش بازگشته است. قابل یاد آوری است که نتیجه هر یک از سفر های رسمی آن بزرگمرد کتابی مدونی است که مخاطبان خودش را در میان فرهنگ ادبی و سیاسی و پر بار افغانستان باز یافته است.

با احترام

رفیع الدین کرامی



محترم الحاج عبد الواحد خرم به سال 1337 خورشیدی در دهکده حبش ولسوالی خرم و سار باغ ولایت سمنگان باستان دیده به جهان گشود . وی تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش سپری کرده و بعدا شامل تخنیکم نفت و گاز مزار شریف شده در سال 1356 از آنجا فارغ شد به دنبال آن دانشگاه حربی را تمام و بعدا جهت کسب ماستری به اکادمی علوم بشری

روسیه فرستاده شد. الحاج دکتور عبد الواحد خرم تخصص خود را در زمینه ی تاریخ و سیاست از کشور تاجیکستان بدست آورد. همچنان در زمینه دانشهای مسلکی نظامی بلند ترین دانش زمان را که ارکان حربی است از کشور هندوستان در سال 2013 بدست آورد و تا هنوز بیشتر از ده اثر علمی چاپ شده به موضوعات گوناگون دارد . هکذا از این نویسنده در حدود هزار مقاله ی علمی به زبان های انگلیسی، روسی، فارسی و تاجیکی در مجلات و روزنامه های داخل و خارج کشور زیور چاپ یافته است.